

۲ سرمقاله

نقش وحدت ملی ایرانیان در مواجهه با جنگ احتمالی با آمریکا

طرح نو؛ سردبیر
 در طول تاریخ، سرنوشت ملت‌ها در بزرگ‌ترین بحران‌های حساس بیش از هر چیز به میزان انسجام درونی آن‌ها گره خورده است. جنگ‌ها، فارغ از ماهیت و عامل آغازگرشان، تنها در میدان نبرد نظامی تعیین تکلیف نمی‌شوند؛ بلکه پیش از آن، در میدان افکار عمومی، همبستگی اجتماعی و اعتماد متقابل میان مردم و حاکمیت سرنوشت خود را رقم می‌زنند. در سناریوی فرضی وقوع جنگ میان ایران و آمریکا، آنچه می‌تواند موازنه قدرت را به‌طور معنادار تغییر دهد، نه صرفاً توان تسلیحاتی یا محاسبات ژئوپلیتیکی، بلکه «وحدت ملی» ایران خواهد بود.

تلاش دشمن برای تضعیف انسجام ملی

ایران کشوری است با تنوع قومی، مذهبی، فرهنگی و سیاسی گسترده. این تنوع، اگر به‌درستی مدیریت شود، می‌تواند بزرگ‌ترین سرمایه ملی باشد و اگر نادیده گرفته یا سرکوب شود...

۶ گزارش

تصمیم جدید دولت ترکیه و اعتراض گسترده‌ی علویان؛

طبقه‌بندی «جم‌خانه» به عنوان مرکز فرهنگی، نه عبادتگاه

۲ یادداشت سیاسی

اسناد تازه منتشر شده‌ی «اپستین» پدوفیل بودن «ترامپ» را نشان می‌دهد

۲ گزارش

قورده (گرگ)، نماد اصیل آذربایجان یا ساخته‌ی دستگاه تبلیغاتی پان‌ترکیسم؟

طرح نو؛ سردبیر
 در سال‌های اخیر، عده‌ای با تکیه بر برداشت‌های ایدئولوژیک از تاریخ، کوشیده‌اند تا نماد «گرگ خاکستری» را به عنوان نشانه‌ای از «هویت مردم آذربایجان» معرفی کنند. گرگی که در تفکر پان‌ترکیسم، نماد خویش‌خواندگی، برتری نژادی و بازسازی امپراتوری موهوم «توران» است. این نماد، هرچند در میان برخی جریان‌های سیاسی در ترکیه به عنوان سمبل ملی‌گرایی افراطی شناخته می‌شود، اما هیچ ریشه‌ای در بستر تاریخی، فرهنگی و ادبی آذربایجان ایران ندارد.

در واقع، همان‌گونه که هر نماد فرهنگی از دل تجربه‌ی تاریخی یک ملت سر برمی‌آورد، «قورده» نه در اسطوره‌شناسی ایرانی-آذربایجانی، نه در فولکلور مردمی و نه در ادبیات کلاسیک این خطه، نقش مثبتی ندارد. بلکه در اغلب موارد، گرگ نماد خصومت، شرارت و بی‌رحمی است. بررسی آثار ادبی بزرگ آذربایجان، از نظامی گنجوی تا شهریار، نشان می‌دهد که این حیوان نه تنها نماد مردم این سرزمین نیست، بلکه همواره در موضع تقابل با «انسانیت، خرد و مردمی بودن» قرار گرفته است.

پان‌ترکیسم و مهندسی هویت فرهنگی

پان‌ترکیسم، از قرن بیستم میلادی و به ویژه پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی، پدیده‌ای سیاسی بود که هدف آن همسان‌سازی ملت‌های ترک‌زبان در قالب ایدئولوژی واحد با محوریت ترکیه بود. این جریان، به جای پذیرش تنوع فرهنگی و تاریخی اقوام، در پی خلق گذشته‌ای مشترک بود که اغلب به مدد تحریف تاریخی و جعل فرهنگی صورت می‌گرفت. در ذهنیت پان‌ترکیستی، گرگ خاکستری (Bozkurt) از یک افسانه‌ی آسیای میانه و اسطوره‌ی زنی گرگ‌نما



طرح نو؛ سردبیر
 طرح نو: در چند دهه‌ی اخیر، رابطه‌ی ایالات متحده‌ی آمریکا و جمهوری اسلامی ایران از مرحله‌ی رقابت سیاسی و اقتصادی فراتر رفته و به نوعی تقابل چندبعدی و مستمر تبدیل شده است. این تقابل نه صرفاً بر سر منافع منطقه‌ای، بلکه بر محور نوعی تضاد دیدگاهی عمیق در مورد نظم جهانی، استقلال

در صفحه ۶

اعتراف «رسول زاده» به جعلی بودن نام آذربایجان برای شمال ارس



محمدامین رسول‌زاده در ۳۱ ژانویه سال ۱۸۸۴ در روستای نوخانی در باکو به دنیا آمد. پدرش یک روحانی بود و او را در مدرسه «روس-مسلمان» ثبت‌نام کرد. او تحصیلات عالی‌اش را در مدرسه فنی باکو به زبان روسی ادامه داد. رسول‌زاده در ۱۷ سالگی «سازمان جوانان مسلمان» را بنیان گذاشت که از جمله اهداف آن، چاپ و پخش بیانیه در بین کارگران کارخانه‌ها بود. او در سال ۱۹۰۵ در جریان مبارزات انقلابی خود با استالین آشنا شد. و زمانی که مقامات امپراتوری روسیه تلاش کردند که استالین را دستگیر و زندانی کنند، رسول‌زاده او را در آپارتمان پنهان و جانش را نجات داد

زنکوفسکی در کتابش با نام «پان‌ترکیسم و اسلام در روسیه» می‌نویسد؛ نوشته‌های نخستین رسول‌زاده مانند نوشته‌های مسلمانان قفقازی همچون توپچی‌باشی و آقایی نشان می‌دهد که او در ابتدا تحت تاثیر پان‌اسلامیسم سید جمال‌الدین اسدآبادی بوده است. اما او پس از اخراج از ایران و همکاری با گروه ترک‌های جوان یک پان‌ترکیست دوآتشه شد

۱
 آذربایجان خلق
 حرب عمومی اولکی رسی جغرافیای کورده آذربایجان شمالی ابراده واقع تیرز ایه خوالیسه دینلیری . حردن و بویوک روسیه اختلالدن سوکوره دبلرده طولاشان آذربایجان ، سالف‌الذکر آذربایجانک شالده جنوب شرقی قافلسیا قطعه‌سندن عیارندرکه مرکزی باکودر .
 documents iran
 آذربایجانلیر ملت اعتبارله تورک ، دین اعتبارله اسلام ، عدایت اساسیه اعتبارله شرقیدرلر .
 کندلی لهجه مخصوصه ایه آنطولی تورکیسه یاقین برشیوه ایه قونوشان آذربایجان تورکی ، مختلف‌شیوه‌لره مالک اولدینی برلره نسته مختلف اسدیر طاشیان بیوک تورک آغاجانک بردالیر .
 آذری تورک‌لرک حال حاضرده اوطوردلیری برلر من القیم تورک خلقی ایه مسکون ایدی . کرک باکو ، کنجه ، شاهی ، ایروان‌لره تیرز ، مراغه ، آردبیل وسائره کی ولایتلر و کرک معان ، آران ، قاراباغ وفاراداغ کی مملکتلر داتما تورک ایلک اوطوردانی وتورک خانلرک اولانلی اولمشدر . بورلر کندیلرند برچوق تورک سلاله‌لرینک اربیلی ، اوقافلی حکومتلر قورده‌لرینی ویسلرله سلطنت سوردلرینی گورده‌لرلر .

بنیانگذار جمهوری آذربایجان در کتاب خود به سرقت نام آذربایجان برای مناطق شمال ارس اعتراف کرده است: «قبل از جنگ جهانی اول، بر اساس جغرافیای رسمی، آذربایجان در شمال ایران قرار و تبریز و اطراف آن نامیده می‌شد

منبع: «آذربایجان جمهوری، کیفیت تشکیل و شیمیدیکی وضعیتی، نویسنده: محمد امین رسول زاده، صفحه ۱۱

یادداشت سیاسی

اسناد تازه منتشر شده‌ی «اپستین» پدوفیل بودن «ترامپ» را نشان می‌دهد



طرح نو؛ گروه سیاست

جی. ترامپ به من تجاوز کرده. در شهادت‌ش، ادعا می‌کند که در مهمانی‌های مار-لاگو، «جفری اپستین بچه‌ها را می‌آورد و ترامپ آن‌ها را مزایده می‌کند». همچنین ادعا می‌کند که ترامپ دختران زیر سن را اندازه‌گیری می‌کرد و «مهمانان مردان مسن بودند و شامل ایلان ماسک نیز می‌شدند». همین فرد همچنین گزارش داده که «دونالد ترامپ به طور منظم پول می‌داد تا او را مجبور به انجام اعمال جنسی با خودش کند» و او را به حضور در زمانی که عمویش در سال ۱۹۸۴ دختر نوزادش را کشت، متهم می‌کند.

شهادت‌های دیگر در پرونده‌ها اتهامات را گسترش می‌دهند. دوستی از قربانی اصلی گزارش داده که مجبور شده در سن ۱۳ یا ۱۴ سالگی با ترامپ اعمال جنسی انجام دهد و پس از گاز گرفتن او، کتک خورده است. یک شاکی دیگر شبکه‌ای از قاچاق جنسی در یک زمین گلف ترامپ در کالیفرنیا (۱۹۹۵-۱۹۹۶) را توصیف کرده و ادعا کرده که گیسلین مکسول مسئول بوده و برخی دختران ناپدید شده‌اند، جایی که شایعات قوی وجود داشت که قربانیان در تأسیسات دفن شده‌اند.

شاهد سومی اظهار داشته که در مهمانی‌های اپستین شرکت کرده که «بیل کلینتون و دونالد ترامپ» در آن حضور داشتند و آن‌ها را «مهمانی‌های بزرگ اورژیا» توصیف کرده است، علاوه بر این، رئیس امنیتی ترامپ در آن دهه به قربانی تهدید کرده که اگر حرف بزند «مثل کود برای سوراخ‌های عقب [زمین گلف] تمام می‌شود مثل بقیه روسپی‌ها» با انتشار این اسناد به نظر می‌رسد که صهیونیست‌ها در حال فشار مجدد بر ترامپ برای حمله به ایران هستند. اپستین که یک مأمور بلندپایه موساد بود تقریباً از همه مقامات آمریکایی و حتی جهان برای صهیونیست‌ها مستندات جنسی تهیه کرد که با آن رژیم بتواند باج‌گیری کند.

در ادامه‌ی افشاکاری‌های صورت گرفته از نقش ترامپ در پرونده‌ی اپستین، در بخشی از اسناد منتشر شده‌ی جدید آمده است: «ترامپ در زمین گلف خود در رانچو پالوس، با دختران زیر سن قانونی مهمانی‌های جنسی برگزار می‌کرده است. گزارش شده است که پس از این مهمانی‌ها، برخی از دختران ناپدید شده‌اند و شایعه شده است که «در این مرکز به قتل رسیده و دفن شده‌اند» ترامپ دختران کوچک را در عمارت لاگو به حراج می‌گذاشته...» همچنین شهادت‌ها در اسناد اپستین، ترامپ را به سوءاستفاده‌ی جنسی از یک دختر زیر ۱۳ سال و حضور در یک قتل کودک متهم می‌کنند. این اسناد جدید مرتبط با جفری اپستین که در ۳۰ ژانویه (روز جمعه) منتشر شده‌اند، حاوی شهادت‌هایی هستند که اتهامات جدی علیه رئیس‌جمهور دونالد ترامپ مطرح می‌کنند. این روایت‌ها که حوادثی که ظاهراً بین دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ رخ داده‌اند را توصیف می‌کنند، توسط وزارت دادگستری ایالات متحده منتشر و سپس حذف شده‌اند. اتهام اصلی از سوی زنی مطرح شده که اظهار می‌کند: «من ۱۳ ساله بودم که دونالد

نقش وحدت ملی ایرانیان در مواجهه با جنگ احتمالی با آمریکا



طرح نو؛ سردبیر
در طول تاریخ، سرنوشت ملت‌ها در بزنگاه‌های حساس بیش از هر چیز به میزان انسجام درونی آن‌ها گره خورده است. جنگ‌ها، فارغ از ماهیت و عامل آغازگرشان، تنها در میدان نبرد نظامی تعیین تکلیف نمی‌شوند؛ بلکه پیش از آن، در میدان افکار عمومی، همبستگی اجتماعی و اعتماد متقابل میان مردم و حاکمیت سرنوشت خود را رقم می‌زنند. در سناریوی فرضی وقوع جنگ میان ایران و آمریکا، آنچه می‌تواند موازنه قدرت را به‌طور معنادار تغییر دهد، نه صرفاً توان تسلیحاتی یا محاسبات ژئوپلیتیکی، بلکه «وحدت ملی» ایران خواهد بود.

تلاش دشمن برای تضعیف انسجام ملی

ایران کشوری است با تنوع قومی، مذهبی، فرهنگی و سیاسی گسترده. این تنوع، اگر به‌درستی مدیریت شود، می‌تواند بزرگ‌ترین سرمایه ملی باشد و اگر نادیده گرفته یا سرکوب شود، به پاشنه آشیل امنیت ملی تبدیل خواهد شد. دشمنان خارجی همواره تلاش کرده‌اند از شکاف‌های اجتماعی، نارضایتی‌های اقتصادی و اختلافات سیاسی برای تضعیف انسجام ملی ایران بهره‌برداری کنند. تجربه‌های تاریخی، از جنگ تحمیلی هشت‌ساله گرفته تا فشارهای تحریمی سال‌های اخیر، نشان داده است که هرگاه جامعه‌ی ایرانی حول یک «درک مشترک از تهدید» و «هدف ملی» متحد شده، هزینه‌های تحمیل‌شده از سوی قدرت‌های خارجی به‌طور چشمگیری کاهش یافته است. در جنگ احتمالی با آمریکا، هدف اصلی واشنگتن، چنان‌که در دکترین‌های امنیتی آن نیز مشهود است، صرفاً شکست نظامی نیست، بلکه فرسایش اراده ملی، ایجاد شکاف میان مردم و حاکمیت و وادار کردن جامعه به پذیرش هزینه‌های روانی و اقتصادی سنگین است. در چنین شرایطی، وحدت ملی نه یک شعار احساسی، بلکه یک ابزار راهبردی برای بازدارندگی محسوب می‌شود. کشوری که از درون منسجم است، حتی اگر از نظر نظامی ضعیف‌تر باشد، برای دشمنی قدرتمندتر، پرهزینه و غیرقابل پیش‌بینی خواهد بود.

وحدت ملی به معنای یکدست‌سازی فکری یا حذف اختلاف‌نظرها نیست. برعکس، وحدت پایدار زمانی شکل می‌گیرد که تنوع دیدگاه‌ها به رسمیت شناخته شود و همه گروه‌ها خود را در سرنوشت کشور سهیم بدانند. در شرایط جنگی، اگر بخش‌هایی از جامعه احساس طردشدگی، بی‌عدالتی یا بی‌صدايي کنند، انگیزه‌ای برای

تحمل سختی‌ها نخواهند داشت. بنابراین، پیش‌شرط وحدت ملی، بازسازی سرمایه اجتماعی، تقویت اعتماد عمومی و ایجاد کانال‌های واقعی گفت‌وگو میان حاکمیت و مردم است. از منظر اقتصادی نیز وحدت ملی نقشی تعیین‌کننده دارد. جنگ، حتی در محدودترین شکل آن، فشار معیشتی را تشدید می‌کند. اگر جامعه به این باور برسد که هزینه‌ها به‌طور ناعادلانه توزیع می‌شود یا گروه‌هایی خاص از رانت و مصونیت برخوردارند، شکاف‌های اجتماعی عمیق‌تر شده و تاب‌آوری ملی کاهش می‌یابد. در مقابل، شفافیت، عدالت نسبی و مشارکت دادن مردم در تصمیم‌سازی‌ها می‌تواند تحمل اجتماعی در برابر فشارهای خارجی را افزایش دهد.

نقش حیاتی رسانه‌ها و نخبگان فکری

نقش رسانه‌ها و نخبگان فکری در این میان بسیار حیاتی است. در شرایط بحران، روایت‌ها تعیین‌کننده‌تر از واقعیت‌های میدانی می‌شوند. اگر رسانه‌های داخلی به جای تشدید دوقطبی‌ها، به تقویت عقلانیت جمعی، نقد مسئولانه و امید واقع‌گرایانه بپردازند، می‌توانند به ستون فقرات وحدت ملی تبدیل شوند. همچنین نخبگان سیاسی

و فرهنگی باید آگاه باشند که تسویه‌حساب‌های جناحی در آستانه یا حین جنگ، عملاً بازی در زمین دشمن است. از سوی دیگر، وحدت ملی پیام روشنی به جهان مخابره می‌کند. کشوری که جامعه‌ای منسجم دارد، در مذاکرات بین‌المللی دست بالاتری خواهد داشت و احتمال تحمیل اراده خارجی بر آن کاهش می‌یابد. آمریکا و متحدانش زمانی به گزینه نظامی جدی می‌اندیشند که تصور کنند جامعه هدف دچار فروپاشی درونی است. برعکس، نمایش انسجام اجتماعی می‌تواند خود به‌عنوان یک عامل بازدارنده عمل کند و حتی مسیرهای دیپلماتیک را تقویت نماید. در نهایت، باید پذیرفت که وحدت ملی محصول دستور و اجبار نیست؛ نتیجه عملکرد عادلانه، شنیدن صداهای مختلف و ایجاد احساس تعلق جمعی است. جنگ احتمالی با آمریکا، اگرچه تهدیدی جدی است، اما می‌تواند به فرصتی برای بازتعریف رابطه دولت و ملت نیز تبدیل شود. آینده ایران در چنین بزنگاهی، نه فقط در اتاق‌های جنگ، بلکه در میزان همبستگی مردم در کوچه‌ها، کارخانه‌ها، دانشگاه‌ها و شبکه‌های اجتماعی رقم خواهد خورد. وحدت ملی، اگر به‌درستی فهم و تقویت شود، می‌تواند مهم‌ترین سلاح ایران در برابر هر تهدید خارجی باشد.

گزارش

قورد (گرگ)، نماد اصیل آذربایجان یا ساخته‌ی دستگاه تبلیغاتی پان‌ترکیسم؟

طرح نو؛ سردبیر
در سال‌های اخیر، عده‌ای با تکیه بر برداشت‌های ایدئولوژیک از تاریخ، کوشیده‌اند تا نماد «گرگ خاکستری» را به عنوان نشانه‌ای از «هویت مردم آذربایجان» معرفی کنند. گرگی که در تفکر پان‌ترکیسم، نماد خویش‌خواندگی، برتری نژادی و بازسازی امپراتوری موهوم «توران» است. این نماد، هرچند در میان برخی جریان‌های سیاسی در ترکیه به عنوان سمبل ملی‌گرایی افراطی شناخته می‌شود، اما هیچ ریشه‌ای در بستر تاریخی، فرهنگی و ادبی آذربایجان ایران ندارد. در واقع، همان‌گونه که هر نماد فرهنگی از دل تجربه‌ی تاریخی یک ملت سر برمی‌آورد، «قورد» نه در اسطوره‌شناسی ایرانی-آذربایجانی، نه در فولکلور مردمی و نه در ادبیات کلاسیک این خطه، نقش مثبتی ندارد. بلکه در اغلب موارد، گرگ نماد خصومت، شرارت و بی‌رحمی است. بررسی آثار ادبی بزرگ آذربایجان، از نظامی گنجوی تا شهریار، نشان می‌دهد که این حیوان نه تنها نماد مردم این سرزمین نیست، بلکه همواره در موضع تقابل با «انسانیت، خرد و مردمی بودن» قرار گرفته است.

پان‌ترکیسم و مهندسی هویت فرهنگی

پان‌ترکیسم، از قرن بیستم میلادی و به ویژه پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی، پدیده‌ای سیاسی بود که هدف آن همسان‌سازی ملت‌های ترک‌زبان در قالب ایدئولوژی واحد با محوریت ترکیه بود. این جریان، به جای پذیرش تنوع فرهنگی و تاریخی اقوام، در پی خلق گذشته‌های مشترک بود که اغلب به مدد تحریف تاریخی و جعل فرهنگی صورت می‌گرفت. در ذهنیت پان‌ترکیستی، گرگ خاکستری (Bozkurt) از یک افسانه‌ی آسیای میانه و اسطوره‌ی زنی گرگ‌نما به نام «آشینا» گرفته شده است. اما نکته‌ی مهم آن است که این روایت ریشه در اسطوره‌های چین باستان دارد و در تاریخ مردمان آذربایجان، به‌ویژه در جغرافیای ایران‌زمین، هیچ حضور یا نشانی از آن در متون کهن دیده نمی‌شود.

در مقابل، آذربایجان بخشی از جهان ایرانی است که در اسطوره‌های ملی‌اش نه گرگ، بلکه «سپاوش»، «کوروش»، «آذر»، «پهلوان» و «روشنی» نماد هویت، آزادگی و ایثار محسوب می‌شوند. بدین ترتیب، تلاش برای جایگزینی گرگ به جای نمادهای انسانی و روشن، نه از سر پژوهش تاریخی، بلکه از سیاست فرهنگی اقتباس شده از آناتولی نشئت می‌گیرد.

شهریار، وجدان شاعرانه‌ی آذربایجان

در فرهنگ عامه‌ی مردم آذربایجان، «قورد» چهره‌ای منگی و ترسناک دارد. در مثل‌ها و افسانه‌های محلی، گرگ معمولاً نماینده‌ی درنده‌خوئی، فرصت‌طلبی و بی‌وفایی است. در زبان گفت‌وگویی مردم نیز، عبارتی چون «قورد بوردی»، «قوردون قاین ایچدین» یا «قورد کیمی باخیر» مفاهیمی منفی دارند و بیانگر خطر، فریب و خیانت‌اند. حتی در ادبیات شفاهی کودکان، گرگ نقش ضدقهرمان دارد؛ موجودی که با حیله‌گری در پی دریدن گوسفندان و بر هم زدن آرامش گله است. در هیچ یک از این روایات، گرگ نماد خیر، دانایی یا نجات نیست. آنچه در حافظه‌ی فرهنگی مردم مانده، چهره‌ای هراس‌انگیز از قورد است، نه نماد وحدت یا اقتدار.

استاد سید محمدحسین شهریار، بزرگ‌ترین چهره‌ی شعر ترکی آذربایجان، بی‌تردید آینه‌ی روشن هویت این دیار است. او در حالی‌که به زبان مادری خود شعر می‌سرود، در عمق جانش ایرانی می‌اندیشید و فرهنگ ملی را سرمایه‌ی مشترک می‌دانست. در شعر معروف «هلال محرم»، شهریار زمانی که ملت‌ها را به مقاومت در برابر تجاوز یعنی فراموشی، متجاوزان را به هیبت حیوانات درنده‌خو و ضدانسانی توصیف می‌کند: قوردلار، کفتارلار، بربرلر آچیلدی... (گرگ‌ها و کفتارها و بربرها گشوده شده‌اند) در این تصویرسازی، گرگ نماد دشمنی خونریز است که به جان انسانیت افتاده. قورد در شعر شهریار، هم‌دست ظلم و ستم است، نه نماد مقاومت یا آزادی. دقیقاً در

همین‌جا می‌توان فهمید که در ضمیر شاعر آذربایجانی، گرگ جایگاهی منفور دارد و حتی وقتی شاعر می‌خواهد چهره‌ی دشمن را به تصویر بکشد، او را در قالب گرگ نشان می‌دهد. شهریار، نه فقط در زبان ترکی بلکه در شعر فارسی نیز، بارها به نقد نفاق و تفرقه‌افکنی پرداخت. برای او، ایران خانه‌ی مشترک همه‌ی مردمان بود. در نتیجه، استفاده‌ی او از گرگ به عنوان صفت منفی، کاملاً در هماهنگی با سنت ادبی فارسی و آذری است.

نظامی گنجوی؛ اسطوره‌ی خرد و انسان‌دوستی

نظامی گنجوی، شاعر بزرگ قرن ششم هجری از گنجه‌ی آذربایجان، در آثار خود جهان را از نگاه انسان‌گرای ایرانی تصویر می‌کند. در منظومه‌هایی چون «خسرو و شیرین» و «لیلی و مجنون» و به‌ویژه «هفت پیکر»، حیوانات نمادین جای خاصی دارند. گرگ در شعر نظامی، مظهر حرص، درندگی و بی‌رحمی است. او در «مخزن‌الاسرار» می‌سراید: گرگ چو بیدار بود، میش نخفت هیچ شی، امن ز گرگان نیافت در این بیان، گرگ مظهر بی‌رحمی و فقدان آرامش اجتماعی است. نظامی، با استفاده از استعاره‌ی گرگ، جامعه‌ای را هشدار می‌دهد که اگر درندگان به قدرت برسند، آرامش از بین خواهد رفت. در نگاه او، گرگ نه قهرمان، بلکه مایه‌ی آشوب است. همچنین در «خسرو و شیرین» نیز، گرگ نمادی از اخلاقی یادآور می‌شود که انسان اگر به خوی گرگ درون خود مجال دهد، از مدار انسانیت خارج خواهد شد. چنین بینشی به وضوح در تضاد کامل با تفکر پان‌ترکیستی است که می‌کوشد گرگ را نماد قدرت و افتخار معرفی کند.

سایر نمونه‌های ادبی از شاعران آذربایجان در آثار خاقانی شروانی، شاعر پرآوازه‌ی دیگر آذربایجان، نیز گرگ نشانه‌ی شرارت و بی‌عدالتی است. او می‌گوید:

بره در بیم گرگ و گرگ به دام هر دو محتاج لطف حق تمام این بیت، گرگ را به عنوان موجودی خطرناک در طبیعت معرفی می‌کند که صرفاً به لطف الهی مهار می‌شود. در شعر قطران تبریزی، از نخستین شاعران پارسی‌گوی آذربایجان، نیز گرگ در مفهومی مشابه آمده است: جهان چو ددست و زمانه چو گرگ کسی نرهد جز به مردی و مرگ در اینجا نیز، گرگ هم‌سنگ «بدی زمان» و «بی‌رحمی دنیا» است. به این ترتیب، از سده‌ی پنجم هجری تا عصر معاصر، پیوستگی ادبیات آذربایجان نشان می‌دهد که گرگ هرگز جایگاهی نمادین در فرهنگ مردم نداشته و تنها استعاره‌ای از خشونت و تباهی بوده است.

ریشه‌شناسی زبانی واژه‌ی «قورد»

در زبان ترکی آذری، واژه‌ی «قورد» (Qurd) به معنای گرگ در اصل وام‌واژه‌ای از ترکی باستان است که خود نیز از زبان‌های آلتایی مشتق شده. اما حضور این واژه در زبان مردم الزاماً به معنای جایگاه فرهنگی مثبت نیست. بسیاری از لغات در طی قرون وارد زبان یک قوم می‌شوند بی‌آنکه بار ارزشی خاصی داشته باشند. همان‌گونه که واژه‌هایی چون «مار» و «کفتار» نیز در زبان وجود دارند اما هیچ‌کس آنها را نماد هویتی خود نمی‌داند. واژه‌ی «قورد» در ذهن مردم آذربایجان مترادف با درندگی است و غالباً در استعاره‌های اجتماعی به انسان‌هایی نیرنگ‌باز یا بی‌رحم اطلاق می‌شود. بدین ترتیب، حتی در کاربرد زبانی، قورد دارای بار معنایی منفی بوده است. هویت ملی مجموعه‌ای از خاطرات تاریخی، ادبی، زبانی و دینی است که طی قرون در ذهن مردم رسوب کرده است. تغییر در نمادهای فرهنگی از طریق تبلیغات سیاسی، موجب شکاف در حافظه‌ی جمعی می‌شود. وقتی گرگ خونریز به عنوان نماد «قومیت» معرفی شود، به‌تدریج فضای فرهنگی به سمت توجیه خشونت، انزوا و برتری‌طلبی پیش می‌رود.

در مقابل، نمادهای اصیل آذربایجان چون «کرامت»، «عدالت»، «مردانگی»، «عشق عارفانه» و «دفاع از مظلوم»، همان ارزش‌هایی که در شعرهای نظامی و شهریار جلوه‌گر است، عامل همبستگی و آرامش‌اند. جامعه‌ای که به جای این ارزش‌ها، نماد خون و دندان را برگزیند، در مسیر فرهنگ انسانی حرکت نخواهد کرد.

راه بازگشت به هویت راستین

احیای هویت اصیل آذربایجان، نه از راه تقلید از افسانه‌های بی‌ریشه، بلکه از احیای ادبیات و تاریخ واقعی آن می‌گذرد. در آثار همه‌ی بزرگان این خطه، از قطران و خاقانی تا نظامی، مهستی، ملا محمد فضولی و شهریار، روح ایرانی، انسان‌دوستی و فرهنگ مشترک با سراسر ایران موج می‌زند. آنان هرگز جهان را از منظر تفرقه نمی‌دیدند، بلکه در پی وحدت و اخلاق بودند. در نتیجه، معرفی گرگ به عنوان نماد آذربایجان، تحریف تاریخ فرهنگی است. چنین تلاشی بیش از آن‌که پاسداری هویت باشد، تحمیل ایدئولوژی بیگانه‌ای است که با روح شعر و انسانیت آذربایجانی در تضاد است. در پایان این مقاله کوتاه می‌خواهم این گونه جمع‌بندی کنم که ادبیات، راست‌ترین سند تاریخی یک ملت است. وقتی از نظامی تا شهریار، گرگ را نشانه‌ی شرارت و تباهی دانسته‌اند، دیگر جایی برای مصادره‌ی این حیوان به عنوان سمبل مردم فرهنگ‌دوست آذربایجان باقی نمی‌ماند. گرگ در سنت آذربایجانی، همان‌گونه که در شعر شهریار به «قورد و کفتار و ببر» تشبیه شده، چهره‌ای تیره دارد و هیچ قربات ذاتی با روح مهربان مردمان این دیار ندارد. از این رو، باید گفت که «قورد» نه تنها نماد آذربایجان نیست، بلکه مخالف جوهره‌ی فرهنگی، اخلاقی و انسانی آن است. بازخوانی شاعران نام‌آور این سرزمین به ما یادآور می‌شود که هویت آذربایجان در شعر و اندیشه‌ی انسانی تداوم یافته، نه در تقلید از نمادهای وارداتی و خشونت‌محور!!

گزارش

پیچیدگی صدر جدول؛

هفته‌ای سرنوشت ساز در لیگ برتر فوتبال



طرح‌نو؛ گروه ورزش تراکتور و سپاهان در بزرگترین بازی هفته نوزدهم لیگ برتر رو در روی هم قرار می‌گیرند. تا جدال برای صدرنشینی لیگ حساس تر شود. تیم‌های تراکتور و سپاهان ۲ مدعی قهرمانی لیگ هستند که در جدال با تیم‌های سرخابی، کوره داغ رقابت بر سر صدرنشینی و قهرمانی فصل را تا لحظه آخر گرم نگه می‌دارند. وضعیت جدول لیگ در فصل جاری با نوسانات و تغییرات زیادی همراه بود، تیم‌های مختلفی در هفته‌های گذشته بر راس جدول تکیه زدند و تیم‌های مدعی تا میانه‌های جدول سقوط کردند اما در ادامه به کورس قهرمانی بازگشتند. فصلی مملو از تساوی‌های بدون گل و نتایج ضعیف

و نزدیک تیم‌ها که سرنوشت صدرنشین را در هر هفته تغییر می‌دهد و هنوز هم حدس زدن درباره اینکه کدام تیم قهرمان خواهد شد، بسیار سخت است. تیم تراکتور، هفته‌های پر از فراز و نشیب را پشت سر گذاشته و در کمال ناباوری و اندکی خوش شانسی بخاطر نتیجه نگرفتن حریفانش به صدر جدول لیگ در پایان هفته هجدهم رسیده است. سپاهان نیز که مثل همیشه ثابت قدم در مسیر قهرمانی حرکت می‌کند، به رغم هم امتیاز بودن با تراکتور در رده سوم قرار دارد. نگاهی به وضعیت جدول لیگ تا پایان هفته هجدهم نشان می‌دهد که لغزش یک تیم بلافاصله به سقوط از جایگاهش منجر می‌شود و راه موفقیت را برای

بازی‌ها، صدرنشینی را برای آن در پی دارد و اگر این بازی به تساوی بکشد، باید دید استقلال چه نتیجه‌ای را برابر پیکان کسب می‌کند چون پیروزی این تیم در صورت تساوی در بازی بین تراکتور و سپاهان به تغییر صدرنشین منجر خواهد شد. اگر رای کمیته انضباطی فدراسیون به بازگشت امتیاز ملوان و کسر امتیاز تراکتور و استقلال منجر شود، جدول اندکی تغییر می‌کند که سازمان لیگ نیز به همین موضوع استناد کرده است چون رای هنوز قطعی نیست پس جدول باید بدون لحاظ امتیازات باشد.

از این رو، سپاهان با ۲۲ امتیاز در صدر، پرسپولیس با ۲۱ امتیاز دوم و تراکتور، استقلال و گل گهر با ۳۰ امتیاز در رده سوم قرار دارند. با احتساب این شرایط، احتمالات برای کسب رده نخست جدول در پایان هفته نوزدهم بیشتر می‌شود و بازی بین تراکتور و سپاهان حساس تر خواهد بود. بُرد سپاهان برابر تراکتور، به تداوم صدرنشینی این تیم منجر می‌شود اما بُرد تراکتور تنها در صورت تساوی یا باخت پرسپولیس، این تیم را به صدر می‌رساند.

سایر تیم‌ها هموار می‌سازد. تراکتور، استقلال و سپاهان با امتیاز برابر ۲۲ ولی تفاضل گل‌های بهتر به ترتیب در رده‌های اول تا سوم قرار دارند و پرسپولیس با ۳۱ امتیاز و گل گهر با ۳۰ امتیاز در تعقیب آن‌ها هستند.

البته جایگاه کنونی تراکتور و استقلال با لحاظ امتیاز رای کمیته انضباطی در ۳ بر صفر اعلام شدن بازی این ۲ تیم برابر ملوان بندرانزلی بخاطر استفاده از بازیکن غیرمجاز است، رای کمیته هنوز قطعی نشده و تیم ملوان، دفاعیات و مستندات خود را ارائه داده و باید دید که این رای قطعی می‌شود یا امتیازات تراکتور و استقلال کسر خواهد شد. با تصور اینکه امتیازات کسر نخواهد شد، بُرد هر یک از این ۲ تیم تراکتور و سپاهان بدون تاثیر نتایج سایر

یادداشت

آقای لیگ برتر؛ گلزن ترین و بهترین پاسور لیگ برتر



طرح‌نو؛ گروه ورزش امیرحسین حسین‌زاده را می‌توان یکی از درخشان‌ترین بازیکنان فصل جاری لیگ برتر نام نهاد. امیرحسین حسین‌زاده که سومین فصل حضور خود در تراکتور را سپری می‌کند، پس از عدم موفقیت در اولین سال حضور در تبریز در دو فصل اخیر درخشان‌ترین بازیکن تیمش بوده است. حسین‌زاده فصل گذشته از اصلی‌ترین عناصر قهرمانی تاریخی تراکتور در لیگ برتر بود و توانست عنوان آقای گلی را هم به دست بیاورد و کمکی غیرقابل چشم‌پوشی برای پرشورها داشته باشد. امیرحسین این فصل هم اصلی‌ترین گزینه کسب کفش طلای لیگ برتر است. مهاجم تراکتور تا به اینجا ۹ گل برای تیمش به ثمر رسانده و امتیازات زیادی را به تنهایی برای تیم تحت هدایت دراگان اسکوچیچ جمع آوری کرده است. مهاجم گلزن تی‌تی‌ها در بازی تیمش برابر آلومینیم اراک اگر چه موفق به گلزنی نشد اما باز هم تاثیر خود را بر جای گذاشت و توانست پاس کلیدی تیمش در دقیقه ۹۰+۲ را به رگی لوشکیا ارسال کند و این بازیکن آلبانیایی گل سه امتیازی مهمی در اراک به ثمر برساند. حسین‌زاده با این پاس گل توانست شمار گلسازی‌های خود در فصل جاری را به عدد ۴ برساند تا در کنار علی علیپور و مهدی هاشم‌نژاد برترین پاسور رقابت‌ها هم باشد. حضور همزمان امیرحسین در صدر جدول برترین گلزنان و پاسورهای لیگ برتر به خوبی نشان می‌دهد که این مهاجم این فصل چقدر آماده بوده که شاید این موضوع علاوه بر دراگان اسکوچیچ، کادرفنی تیم ملی را هم در سال منتهی به جام جهانی خوشحال کند.

خبر

عامل بازگشت تراکتور؛ قفل دروازه علی بیرو!



طرح‌نو؛ گروه ورزش علیرضا بیرانوند در ۸ بازی اخیر تراکتور فقط دو گل دریافت کرده است. تراکتور با کسب دو پیروزی و یک تساوی در سه بازی نیم فصل دوم توانسته دوباره به جدول مسابقات بازگردد و خود را به عنوان یک مدعی جدعی کسب عنوان قهرمانی مطرح کند. اما یکی از اصلی‌ترین بازیکنان تراکتور در هفته‌های اخیر علیرضا بیرانوند بوده است. دروازه‌بان ملی‌پوشی که این روزها به ندرت گل دریافت می‌کند تا همین موضوع عاملی برای کسب امتیاز تیمش باشد. اگر نگاهی به ۸ بازی اخیر تراکتور در لیگ برتر داشته باشید، متوجه نقش پررنگ علی بیرو خواهید شد. بیرانوند در ۸ بازی اخیر فقط دو بار توپ را درون دروازه خود دیده و در ۶ بازی کلین‌شیت داشته تا به روند امتیازگیری تیمش کمک شایانی داشته باشد. در هشت بازی اخیر لیگ برتری تراکتور برابر استقلال خوزستان، ذوب‌آهن، پیکان، شمس‌آذر، ملوان، استقلال، مس رفسنجان و آلومینوم اراک بیرانوند فقط دو بار در برابر پیکان و مس رفسنجان دروازه‌اش باز شده که هیچ یک از این گل‌ها هم مانع پیروزی تی‌تی‌ها نشده است. بیرانوند با درخشش خود، دروازه‌بان خارجی و سوئدی پرشورها یعنی مارکو یوهانسون را هم تبدیل به یک نیمکت‌نشین مطلق کرده تا این روزها و در سال منتهی به جام جهانی حسابی روی فرم باشد.

پیام ورزشی

تمرین؛ بهترین دوست شما در مسیر به دستاوردهای بزرگتر است

سرمربی تیم والیبال مس سونگون ورزشقان؛

مرحله به مرحله پیش می‌رویم



برخوردار است. جمعه پیش‌رو در بازی برگشت در تبریز میزبان مقاومت تهران خواهیم بود. امیدوارم بتوانیم در آن دیدار به پیروزی برسیم

سرمربی تیم والیبال مس سونگون با اشاره به دیدار برگشت، گفت: ما مرحله به مرحله پیش می‌رویم و هر بازی برای ما از اهمیت ویژه‌ای

طرح‌نو؛ گروه ورزش سرمربی تیم والیبال مس سونگون ورزشقان با اشاره به کیفیت خوب تیم‌ها در مرحله پلی‌آف لیگ دسته یک، گفت: مرحله به مرحله پیش می‌رویم و هر بازی برای ما از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. عادل بناکار درباره برتری تیمش برابر مقاومت تهران گفت: مرحله حذفی است و تیم‌ها همگی از کیفیت بالایی برخوردارند. مقاومت تهران نیز تیمی جوان و قدرتمندی بود. بازیکنان ما دو ست نخست را عالی بازی کردند و ست اول را با اختلاف پیروز شدیم. او ادامه داد: در ست سوم، حریف با سرویس‌های خوب و دفاع مناسب توانست بازی را به نفع خود به پایان ببرد، اما در ست چهارم، اگرچه حریف شروع بهتری داشت، اما تیم ما با بهبود در سرویس و دریافت به جریان بازی بازگشت و موفق شدیم پیروز میدان شویم.

گزارش

مسابقات هاکی باشگاه‌های آسیا در تبریز به تعویق افتاد



طرح‌نو؛ گروه ورزش رییس فدراسیون هاکی از به تعویق افتادن مسابقات هاکی سالتی قهرمانی باشگاه‌های آسیا به میزبانی ایران خبر داد. بهرام قدیمی در گفت‌وگویی اظهار کرد: مسابقات هاکی سالتی قهرمانی باشگاه‌های آسیا قرار بود اسفند به میزبانی ایران در تبریز برگزار شود که به پیشنهاد رییس کنفدراسیون آسیا این تورنمنت به تعویق افتاد و قرار است اردیبهشت سال آینده میزبان این رقابت‌ها دوباره در تبریز باشیم. البته تمهیدات لازم برای برگزاری این مسابقات در کشور انجام و دعوتنامه‌ها نیز ارسال شده بود و مشکلی برای برگزاری نداشتیم اما پیشنهاد کنفدراسیون آسیا بر این بود که رقابت‌ها به تعویق بیفتند. وی همچنین درباره زمان افتتاح آکادمی بین‌المللی

هاکی سالتی در استادیوم آزادی، افزود: این آکادمی که مابین فدراسیون دوچرخه سواری و اتومبیلرانی قرار دارد قرار است دهه مبارک فجر با حضور وزیر ورزش افتتاح شود. رییس فدراسیون هاکی در خصوص زمان عقد قرارداد با مربی انگلیسی هاکی سالتی زنان و مردان، گفت: مربی انگلیسی مردان قرار بود این ماه به ایران بیاید که با توجه به شرایط حضورش در ایران فعلاً منتفی شد و قرار است سال آینده در خدمت تیم ملی هاکی سالتی مردان باشد. مربی انگلیسی زنان نیز سال آینده هدایت تیم ملی را برعهده خواهد گرفت. او در پایان خاطر نشان کرد: تلاش بر این است که راه اندازی هاکی سالتی در آزادی تیم خوبی را برای مسابقات باشگاه‌های آسیا آماده و به بهترین نتیجه ممکن دست پیدا کنیم.

شعر

روزی که او آمد



روزی که او آمد، جهان رسم دگر یافت
 آفاق نو شد، عاشقی سامان و سر یافت
 روزی که او آمد، به خوبان وعده دادند
 پایان رسید ایام غم، امت گهر یافت
 روزی که او آمد، همه یک «روح» بودند
 چون چوب نی کز ابر دل برگ و ثمر یافت
 روزی که او آمد، ستم از نیمه تا شد
 فرعون پا در گل؛ ستم پیشه، شرر یافت
 روزی که او آمد، وطن هرم ولا شد
 آتشفشان هر گلینی کز او خبر یافت
 روزی که او آمد شهیدستان زهرا
 روئید در هر ذره جان و ز او هنر یافت
 روزی که او آمد، هزاران موج تابید
 دریا به گل خندید و طعمی چون شکر یافت
 روزی که او آمد، وطن یکباره جوشید
 چون رود کز یک چشمه عمر معتبر یافت
 روزی که او آمد، آفتاب فتح تابید
 آرام شد دل، زانکه موسی را به بر یافت

شاعر: سعیدالله زارعی

راهیابی دو اثر از نویسندگان آذربایجان شرقی به فهرست نامزدهای «هنر» جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران



جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران

طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب دو کتاب از نویسندگان و پژوهشگران آذربایجان شرقی در گروه «معماری و شهرسازی» به عنوان نامزدهای موضوع «هنر» چهل و سومین دوره جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران معرفی شدند. به گزارش روابط عمومی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان شرقی به نقل از دبیرخانه چهل و سومین دوره جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، نامزدهای موضوع «هنر» در هشت گروه شامل «کلیات هنر»، «هنرهای تجسمی»، «عکاسی»، «معماری و شهرسازی»، «موسیقی»، «هنرهای نمایشی»، «نمایشنامه» و «تربیت بدنی» معرفی شدند.

بر پایه این اعلام، در گروه «معماری و شهرسازی»، دو اثر از پژوهشگران تبریزی به فهرست نهایی نامزدها راه یافته‌اند. کتاب «سیمای تبریز در نیمه نخست قرن چهاردهم شمسی (۱۲۹۹ تا ۱۳۵۷)» تألیف حامد بیبی و باقر پورجوادی اصل با نظارت علمی احد ابراهیم‌پور و همکاری کریم میمنت‌نژاد و امیر دهقان، از سوی شورای اسلامی شهر تبریز و مرکز پژوهش‌ها در سال ۱۴۰۳ منتشر شده است.

جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران هر سال با هدف شناسایی و معرفی آثار برتر علمی و فرهنگی در حوزه‌های مختلف برگزار می‌شود و انتخاب نهایی برگزیدگان چهل و سومین دوره آن به‌زودی اعلام خواهد شد.

همچنین کتاب «از صفت تا مرشدی: سیری در معماری خانقاه‌های ایران» تألیف احد نژاد ابراهیمی و محمد شیخ‌الحکامی، از سوی دانشگاه هنر اسلامی تبریز در سال ۱۴۰۲ به چاپ رسیده و در همین گروه به‌عنوان نامزد معرفی شده است.

راز طول عمر

کتاب بخوانید؛ عمرتان طولانی‌تر شود

استرس عمل می‌کند. هنگام مطالعه، افراد وارد حالت ذهنی متمرکز و آرام می‌شوند، حالتی مشابه مدیتیشن که به تنظیم سیستم عصبی و کاهش فشار روانی کمک می‌کند. کاهش استرس نیز اثر مستقیم بر سلامت قلب، خواب و سیستم ایمنی دارد و روند پیری را کند می‌کند. مطالعات بلندمدت نشان می‌دهند که فعالیت‌های ذهنی مانند مطالعه روند افت شناختی را کاهش می‌دهند و حتی در افرادی که علائم آلزایمر دارند، حافظه بهتر حفظ می‌شود. کارشناسان تأکید می‌کنند که بازگشت به مطالعه در هر سنی می‌تواند به تقویت مغز و سلامت روان کمک کند و خواندن را نباید فقط یک سرگرمی دانست، بلکه سرمایه‌گذاری بر سلامت بلندمدت است

که به‌طور مرتب کتاب می‌خوانند، نسبت به کسانی که مطالعه نمی‌کنند، به‌طور میانگین ۲۳ ماه طول عمر بیشتری دارند. این ارتباط حتی پس از در نظر گرفتن عوامل اقتصادی، تحصیلی، وضعیت سلامت و توانایی شناختی نیز برقرار بود. کارشناسان می‌گویند بخشی از این اثر به مزایای اجتماعی و روانی خواندن مربوط می‌شود. مطالعه داستان‌های تخیلی مانند تجربه روابط اجتماعی، احساسات و دیدگاه‌های دیگران است و می‌تواند تنهایی را کاهش دهد. مشارکت در باشگاه‌های کتاب نیز می‌تواند از لحاظ اجتماعی تأثیر مثبت داشته باشد. علاوه بر این، خواندن به‌عنوان نوعی کاهش‌دهنده

طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب مطالعه منظم کتاب نه تنها ذهن را تقویت می‌کند، بلکه استرس را کاهش داده و با افزایش طول عمر و محافظت از مغز، سلامت روان و جسم را ارتقا می‌دهد. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که خواندن منظم کتاب نه تنها سرگرم‌کننده است، بلکه می‌تواند سلامت مغز، کاهش استرس و طول عمر را افزایش دهد. مطالعه منظم با تقویت حافظه، پیشگیری از افت شناختی و کاهش خطر ابتلا به زوال عقل همراه است و حتی می‌تواند زندگی افراد را تا دو سال طولانی‌تر کند. مطالعات دانشگاه ییل در ایالات متحده روی بیش از ۳۶۳۵ بزرگسال بالای ۵۰ سال نشان داد کسانی

یادداشت

آخرین باری که آسمان را نگاه کردم



طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب - تینا جمالی آخرین باری که آسمان را نگاه کردم، نه برای دیدن ابرها بود و نه برای شمردن ستاره‌ها. آن روزها آسمان دیگر فقط آسمان نبود؛ بخشی از ترس و انتظار ما شده بود. جنگ دوازده‌روزه ایران همه‌چیز را عوض کرده بود، حتی نگاه کردن ساده به بالا را. شب‌ها وقتی صدای آژیر یا خبر حمله می‌آمد، ناخودآگاه سرم را بالا می‌گرفتم، چشم‌هایم دنبال نورهایی می‌گشت که از میان تاریکی رد می‌شدند؛ موشک‌هایی که مثل خطی آتشی آسمان را می‌شکافتند و هواپیماهایی که صدایشان قبل از دیده شدن، قلب آدم را می‌لرزاندند. آسمان دیگر آرام و آبی نبود؛ پر از صدا، نور و اضطراب بود. یادم می‌آید کنار پنجره ایستاده بودم. هوا تاریک بود اما آسمان زنده به نظر می‌رسید. هر بار که نوری از دور دیده می‌شد، نفسم در سینه حبس می‌شد. آن لحظه‌ها، زمان معنای خودش را از دست داده بود و فقط چشم‌ها کار می‌کردند؛ چشم‌هایی که به آسمان دوخته شده بودند. بعد از تمام شدن آن دوازده روز، کم‌کم زندگی به حالت عادی برگشت. آسمان دوباره آبی شد، هواپیماها دیگر صدای ترس نداشتند و موشکی در کار نبود. یک روز ناگهان به این فکر افتادم که آخرین بار کی آسمان را نگاه کرده‌ام. فهمیدم مدت‌هاست به بالا نگاه نکرده‌ام، مگر همان روزها؛ روزهایی که مجبور بودم. حالا هر وقت سرم را بالا می‌گیرم و آسمان آرام را می‌بینم، یادم می‌آید آخرین نگاه واقعی من به آسمان، در میان ترس، جنگ و انتظار بود؛ جایی که فهمیدم حتی آسمان هم می‌تواند حال آدم‌ها را عوض کند.

مجموعه‌ی شش جلدی «طلاش کن» منتشر شد



خوب می‌گیرند.»
 خارجی‌ها وقتی به کشورشان برمی‌گشتند، فقط ایران و موسسه روایان را تبلیغ می‌کردند.

گزیده‌ای از کتاب «بمب انرژی»:

خان‌شان از مدرسه خیلی دور بود. بچه‌ها در سرویس، مثل ذرت که توی قابلمه، پف‌فیل می‌شود و دانه‌هایش بالا و پایین می‌پرد، از سروکول هم بالا می‌رفتند. تصمیمش را گرفته بود. می‌خواست هر طور شده همه مسئله‌های ریاضی دنیا را حل کند. کل مسیر سرویس، مغزش مثل چرخ گوشت، مسئله ریاضی را می‌خورد و حل می‌کرد. داخل مینی‌بوس، چشم به هم می‌زد، می‌دید جلوی در خانه رسیده است. زنگ را تندتند فشار می‌داد. تا در باز می‌شد، با کفش و لباس مدرسه می‌نشست پای دفتر و کتابش. تا موقع خواب هم هیچ معمولی از دستش در نمی‌رفت.

گزیده‌ای از کتاب «آخیش بی‌آخیش»:

زمین برای بعضی‌ها میخ دارد؛ یعنی نمی‌توانند روی آن بنشینند. دکترهای روان‌شناس به بعضی از این بعضی‌ها می‌گویند «بیش‌فعال». معنایش می‌شود کسی که بیشتر از اندازه فعالیت می‌کند و نمی‌تواند یک جا آرام بگیرد. حالا ممکن است این فعالیت‌ها خوب باشد یا از نوع دسته‌گل به آب دادن. مصطفی یک چیزی توی همین مایه‌ها بود.

گزیده‌ای از کتاب «پازل اتمی»:

مجید شده بود مسئول و متخصص پروژه‌های خیلی گنده منده. هرکس کاری به ذهنش میرسید که فکر می‌کرد این دیگر غول مرحله آخر است، می‌سپردش دست مجید.

یکی از استاد‌های قدیمی‌اش دوتا کار به او پیشنهاد داد. تصور استاد این بود یکی یکی انجام‌شان می‌دهد اما مجید همزمان باهم شروع کرد. با چندتا از دانشمند‌های

نمی‌شدند. زود دل نمی‌باختم. هر بار به خودم می‌گفتم من یک راه جدید کشف کردم که باعث می‌شود چراغ‌ها خاموش باشند. برای همین حوصله‌ام سر نمی‌رفته و حرصم نمی‌گرفته!

در بخشی از کتاب «سکتور سعید» آمده است:

کم‌کم صدای موفقیت روایان از مرزهای ایران گذشت. خیلی از کشورها هنوز باورشون نمی‌شد. اما هر سال ۵۰۰ مامان بابا، از شرق و غرب دنیا مهمان روایان می‌شدند. جوری صف می‌کشیدند جلو روایان که انگار مجانی درمان می‌کنند. خودشان می‌گفتند: «خانوم پرستارهای ایرانی مٹ فرشته دور مامان‌ها می‌چرخند. همه جوهره هوای همه رو دارند. چه ایرانی باشند، چه خارجی. دارو درمان‌هایی هم که استفاده می‌کنند با بهترین جاهای دنیا مثل هم است. هزینه رو هم خیلی

شهید سید کاظم آشتیانی به‌قلم: زینب ملاحسینی «جهشی» روایت‌هایی از زندگی دانشمند شهید داریوش رضایی‌نژاد به‌قلم: زکیه دشتی‌پور «آخیش بی‌آخیش» روایت‌هایی از زندگی دانشمند شهید مصطفی احمدی روشن به‌قلم: مهدیه مهدی‌پور عنوان این مجموعه شش جلدی است که با قلمی بسیار روان برای رده سنی نوجوان نوشته شده است. از ویژگی‌های این مجموعه می‌توان به کوتاه و مختصر بودن روایت‌ها و تصاویر زیبا و کاربردی آن اشاره کرد که مخاطب را سر ذوق می‌آورد. ایجاد حس انگیزه، امید و تلاش را می‌توان از دیگر ویژگی‌های مجموعه «طلاش کن» دانست.

در بخشی از کتاب «سردسته صمّی‌ف‌ها» آمده است: از هوا کوفته نمی‌آید. یعنی اگر آدم می‌خواهد به چیزی برسد باید برای رسیدن به آن تلاش کند. همین‌طوری هلو نمی‌شود ببرد تو گلو. خود ادیسون که کاری کرد دنیا را برق بگیرد و لامپ لامپی شود گفته من هزار بار آزمایش برق را انجام دادم که لامپ‌ها اصلاً روشن

طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب مجموعه شش جلدی «طلاش کن»؛ روایت‌هایی از زندگی شش دانشمند شهید توسط نوشکا (واحد نوجوان نشر شهید کاظمی) منتشر شد. ترور پی‌درپی دانشمندان هسته‌ای ایرانی همواره این پرسش را مطرح می‌کند که به‌راستی چه افراد یا گروه‌هایی پشت این سوءقصد‌ها قرار دارند و چه اهدافی را دنبال می‌کنند؟ پیچیدگی در برنامه ترورها بخشی از سیاست است که از یک جهان‌بینی خاص نشئت می‌گیرد. این جهان‌بینی به القاء ایرانی‌ستیزی، مسلمان‌ستیزی و حمایت از رژیم‌صهیونیستی می‌پردازد و متصدیان این سیاست‌ها قطعاً هدف مشترک را دنبال می‌کنند. از قبل هم مشخص بود که دست اسرائیل آغشته به این ترور‌هاست. با اتفاقات جنگ تحمیلی ۱۲ روزه برای همه روشن شد که عامل اصلی این ترورها اسرائیل است.

اکنون خیلی از نهادها و دستگاه‌های دولتی و خصوصی این وظیفه را دارند که دانشمندان شهید را به نسل نوجوان و جوان به خوبی معرفی کنند تا با سبک زندگی، روش و منش آن‌ها آشنا شوند. دانشمندی که هم در علم نمونه و کم‌نظیر بودند و هم در تقوا. مجموعه شش جلدی «طلاش کن» که توسط نوشکا(واحد نوجوان نشر شهید کاظمی) منتشر شده، روایت‌هایی جذاب و بکر از زندگی شش دانشمند شهید است که هر کدام سبک زندگی خاصی داشتند. همین متفاوت بودن نوع زندگی سبب می‌شود تا این مجموعه برای ذائقه‌های مختلف مناسب باشد. «سردسته صمّی‌ف‌ها»؛ روایت‌هایی از زندگی دانشمند شهید محسن فخری‌زاده به‌قلم: زهرا عوضی‌بخشی «پازل اتمی»؛ روایت‌هایی از زندگی دانشمند شهید مجید شهریاری به‌قلم: زینب جلالی «بمب انرژی»؛ روایت‌هایی از زندگی دانشمند شهید مسعود علی‌محمدی به‌قلم: هانیه پارسائیان «سکتور سعید»؛ روایت‌هایی از زندگی دانشمند

هسته‌ای جمع شدند، دست‌هایشان را گذاشتند روی هم و افتادند به جان کار. یکی راه‌اندازی نرم‌افزارهای هسته‌ای بود؛ یکی دیگر هم کدهای محاسباتی. این کدها یک‌سری عدد و رقم و فرمول‌های پیچیده بودند که برای ساخت وسایل هسته‌ای بهشان نیاز داشتند. در تندترین و باکیفیت‌ترین حالت ممکن پروژه‌ها را تمام کردند و تحویل دادند. استاد آمد، دید و گفت: کار نکردید! بچه‌ها، شاهکار کردید. ایران بقدر باید خوشحال باشه شماها رو داره هیچ، کل دنیا باید وایسن به افتخارتون ایستاده دست بزنن.

گزیده‌ای از کتاب «جهشی»:

دانشگاه که قبول بشوی باید خودت انتخاب کنی چه درس‌هایی را با چه استادی بخوانی. آن سال‌ها مثل حالا نبود که کامپیوتر و گوشی نقل و نبات باشد و همه‌جا پیدا شود. انتخاب واحد دانشگاه دستی بود. درس‌ها و استادشان را در برگه‌ای روی دیوار می‌زدند. هرکس درس‌های انتخابی‌اش را در جدول انتخاب واحد می‌نوشت و می‌برد دفتر مدیر گروه. داریوش مانده بود بین دوراهی. درسی که استادش بالاتر از دوازده نمره نمی‌داد را انتخاب کند یا نه؟

دانشجویان برق می‌دانستند این درس راه شیرین سه ترم باید بخوانند. ترم همان سه ماه تحصیلی خودمان است. بار اول وسط ترم حذفش می‌کردند، بار دوم تا آخر ترم سر کلاس می‌رفتند؛ اما افتادن قطعی بود. دست‌آخر با یک عالمه سختی، شاگرد اول‌ها نمره دوازده می‌گرفتند. تکلیف اخراجی‌های ردیف آخر که معلوم بود. هرکس نمره بالاتر از ده می‌گرفت به همه بچه‌ها شیرینی می‌داد.

صدایی مثل بمب در دانشگاه پیچید. استاد معروف برای اولین بار به یک دانشجو همان بار اول نمره نوزده و نیم داده بود. کوچکترین دانشجوی دوره توانسته بود بیشترین نمره را از استاد بگیرد. علاقه‌مندان برای مشاهده و تهیه این مجموعه به‌صورت تک‌جلدی یا مجموعه کامل می‌توانند با ورود به سامانه من و کتاب manvaketab.com و همچنین از طریق ارسال نام کتاب به سامانه پیام کوتاه ۳۰۰۰۱۴۱۴۴۱ کتاب‌ها را تهیه نمایند.

موسیقی دان ارمنی:

سمفونی وحدت موجب همنوایی ملت ایران بوده است



است، گفت: استفاده از آهنگ های حماسی، انقلابی، ادبیات و فرهنگ انقلابی همواره در جشن های دهه فجر با هدف وحدت آفرینی همواره مورد استفاده در کارها و اجراهای هنری ام بوده و آهنگ هایی همچون طلیعه سحر، ای ایران، آزادی، قبله شهادت، ای سرافرازان و به لاله در خون خفته را در برنامه های مختلف از جمله در جامعه ارامنه بارها با همکاری کنسرت های موسیقی ارمنی و غیرارمنی اجرا کرده ام.

موزیسین هموطن ارمنی گفت: در جنگ ۱۲ روزه با وحدت و تکیه به خدا به همگان ثابت شد اتحاد بین ملت ایران گسست ناپذیر است و این اتحاد نشان داد که ایران متعلق به کل ایرانیان است و با برادری و وفاقی که وجود دارد شکست ناپذیر است. وی خاطر نشان کرد: سرنوشت کشور و ملت ها بدون وحدت ختم به شکست است پس برای حفظ، صیانت و استمرار پیروزی ها وحدت لازم است، همان طور که برای اجرای یک اپرا و کنسرت موفق و ماندگار، همدلی و اطاعت از رهبری و هماهنگی بین اجزا ضرورت دارد. وی که حدود ۲۷ سال در زمینه موسیقی فعالیت کرده

مسلمانان، دانشگاهیان، نظامیان، کارگران، همه باید هدیه بزرگ انقلاب را با همین وحدت کلمه نگهدارند. وی ادامه داد: منافقان، پهلوی و دیگر دشمنان ایران از بدو پیروزی انقلاب تاکنون با حربه های مختلف تلاش کردند تا با برهم زدن اتحاد بین اقوام، ادیان و اقشار مختلف و تفرقه افکنی موجب تضعیف یا شکست ملت ایران شوند. در جنگ ۱۲ روزه با وحدت و تکیه به خدا به همگان ثابت شد اتحاد بین ملت ایران گسست ناپذیر است و این اتحاد نشان داد که ایران متعلق به کل ایرانیان است و با برادری و وفاقی که وجود دارد شکست ناپذیر است.

طرح نو: گروه فرهنگ و هنر موسیقی دان ارمنی با تاکید بر لزوم وحدت کلمه و اتحاد اقشار و ادیان مختلف ایران، گفت: از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی که امام خمینی در بدو ورود به کشور در فرودگاه مهر آباد، رمز پیروزی انقلاب را وحدت کلمه اعلام کردند تاکنون، سمفونی وحدت و همنوایی ملت ایران و رهبری، خط مشی اصلی نظام بوده است. کارن سرکیسیان اظهار کرد: گام های اساسی و موفقیت های کسب شده در تاریخ انقلاب نیز با وحدت محقق شده است و اقشار مختلف مردم از مسیحیان،

مفقودی **روزنامه طرح نو**
برگ سبز خودرو سیستم سمند تیپ ایکس ۷ مدل ۱۳۸۴ شماره پلاک ۱۵ ایران ۳۸۵ ۱۴۰ شماره موتور ۱۲۸۳۱۹۳۴۶۵ شماره شاسی ۱۴۵۰۱۱۷۲ به مالکیت آقای صمد اسدی مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

شناسه آگهی: ۲۱۰۷۲۲۵
شماره: ۱۴۰۴/۱۰۴/۲۴/۸۹۹۸
تاریخ: ۱۴۰۴/۱۱/۰۷

شناسه آگهی: ۲۱۰۶۶۹۳
تاریخ: ۱۴۰۴/۱۱/۰۷
شماره: ۱۰۴/۲/۹۰۳۶

آگهی تعیین حدود اختصاصی از بخش ۲۰ تبریز

نظر بر اینکه ششدانگ یک قطعه باغ از پلاک ۷۵/۴۶- اصلی و به شماره ۵۳۱ فرعی واقع در قره گرگانه بخش ۲۰ تبریز به نام صادق اسمعیل پور فرزند بداله تایید مال.کیت شده و تعیین حدود آن تاکنون به عمل نیامده است لذا به استناد تبصره ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی تعیین حدود پلاک فوق در روز چهارشنبه مورخه ۱۴۰۴/۱۲/۱۲ ساعت ۱۰ صبح شروع و به عمل خواهد آمد. لذا بدینوسیله به مالکین مجاور اخطار می شود که در موعد مقرر در محل وقوع ملک حاضر تا طبق مقررات نسبت به تعیین

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی ورزقان (نوبت اول)

۱- مطابق آراء شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۰۲۴۰۰۶۵۶۷ و ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۰۲۴۰۰۶۵۶۵ مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۴ مالکیت خانم ها شیدا و آیدا و یلدا شهرتاً علی دوست نسبت به دو دانگ از ششدانگ یک قطعه باغ مفروزی از پلاک ۸۴ اصلی از بخش ۲۷ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان واقع در روستای آستمال به مساحت ۹۷،۹۱ مترمربع، انتقال مالکیت از آقای محرم علی دوست

۲- مطابق رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۰۲۴۰۰۶۵۶۸ و ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۰۲۴۰۰۶۵۷۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۴ مالکیت خانم ها شیدا و آیدا و یلدا شهرتاً علی دوست نسبت به دو دانگ از ششدانگ یک قطعه باغ مفروزی از پلاک ۸۴

شناسه آگهی: ۲۱۰۴۵۸۳
شماره: ۱۴۰۴/۱۰۴/۲۴/۸۸۸۳
تاریخ: ۱۴۰۴/۱۱/۰۴

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی ورزقان (نوبت اول)

۱- مطابق رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۰۲۴۰۰۶۸۰۶ مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۰۳ مالکیت آقای رحیم رشیدی آقبلاغ نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین زراعی مفروزی از پلاک ۱۷۹ فرعی از ۸۵ اصلی از بخش ۲۳ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان واقع در روستای آقبلاغ سفلی به مساحت ۷۳۳۶،۹۵ مترمربع، انتقال مالکیت از آقای امیر رشیدی

۲- مطابق رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۰۲۴۰۰۶۸۰۷ مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۰۳ مالکیت آقای رحیم رشیدی آقبلاغ نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین زراعی مفروزی از پلاک ۱۳۳۵ فرعی از ۸۵ اصلی از بخش ۲۳ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان واقع در روستای آقبلاغ سفلی به مساحت ۲۷۵۶،۷۹ مترمربع، انتقال مالکیت از آقای امیر رشیدی

شناسه آگهی: ۲۱۰۵۱۱۱
شماره: ۱۴۰۴/۱۰۴/۲۴/۸۹۶۹
تاریخ: ۱۴۰۴/۱۱/۰۶

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی ورزقان (نوبت اول)

۱- مطابق رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۰۲۴۰۰۵۴۳۴ مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۰ مالکیت آقای مهدی جبرائیلی روزی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین زراعی مفروزی از پلاک ۳۶ اصلی از بخش ۲۳ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان واقع در روستای روزی به مساحت ۱۰۸۱۷،۲۰ مترمربع، انتقال مالکیت از مرحوم آقای رحیم جبرائیلی

لذا به منظور اطلاع عموم و به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای سند رسمی و ماده ۱۳ آیین نامه

شناسه آگهی: ۲۱۰۸۹۸۵
شماره: ۱۴۰۴/۱۰۴/۲۴/۸۷۲۷
تاریخ: ۱۴۰۴/۱۰/۲۸

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی ورزقان (نوبت اول)

۱- مطابق رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۰۲۴۰۰۳۸۶۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۰۴ مالکیت آقای فریبرز محمدی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین زراعی مفروزی از پلاک ۷۲ اصلی از بخش ۲۳ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان واقع در روستای کیتال به مساحت ۷۲۰۱،۳۷ مترمربع، انتقال مالکیت از آقای نادر محمدی

۲- مطابق رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۰۲۴۰۰۳۸۶۱ مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۰۴ مالکیت آقای فریبرز محمدی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین زراعی مفروزی از پلاک ۷۲ اصلی از بخش ۲۳ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان واقع در روستای کیتال به مساحت ۴۹۵،۱۶ مترمربع، انتقال مالکیت از آقای نادر محمدی

۳- مطابق رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۰۲۴۰۰۳۸۶۵ مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۰۴ مالکیت آقای فریبرز محمدی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین زراعی مفروزی از پلاک ۷۲ اصلی از بخش ۲۳ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان واقع در روستای کیتال به مساحت ۴۰۶۷،۶۶ مترمربع، انتقال مالکیت از آقای نادر محمدی

۴- مطابق رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۰۲۴۰۰۳۸۶۶ مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۰۴ مالکیت آقای فریبرز محمدی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین زراعی مفروزی از پلاک ۷۲ اصلی از بخش ۲۳ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان واقع در روستای کیتال به مساحت ۹۲۶،۳۷ مترمربع، انتقال مالکیت از آقای نادر محمدی

شناسه آگهی: ۲۱۰۴۵۶۹
شماره: ۱۴۰۴/۱۰۴/۲۴/۸۸۸۱
تاریخ: ۱۴۰۴/۱۱/۰۴

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی ورزقان (نوبت اول)

۱- مطابق رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۰۲۴۰۰۶۵۷۹ مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۵ مالکیت آقای میر حیدر هادیان نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین زراعی مفروزی از پلاک ۶۹۰ فرعی از ۱۳۷ اصلی از بخش ۲۳ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان واقع در روستای کاسین به مساحت ۱۵۰۶۶،۹۳ مترمربع، انتقال مالکیت از آقای زیداله زراعی

لذا به منظور اطلاع عموم و به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای سند رسمی و ماده ۱۳ آیین نامه

شناسه آگهی: ۲۱۰۸۹۸۵
شماره: ۱۴۰۴/۱۰۴/۲۴/۸۷۲۷
تاریخ: ۱۴۰۴/۱۰/۲۸

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی ورزقان (نوبت اول)

۱- مطابق رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۰۲۴۰۰۳۸۶۵ مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۰۴ مالکیت آقای فریبرز محمدی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین زراعی مفروزی از پلاک ۷۲ اصلی از بخش ۲۳ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان واقع در روستای کیتال به مساحت ۷۲۰۱،۳۷ مترمربع، انتقال مالکیت از آقای نادر محمدی

۲- مطابق رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۰۲۴۰۰۳۸۶۶ مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۰۴ مالکیت آقای فریبرز محمدی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین زراعی مفروزی از پلاک ۷۲ اصلی از بخش ۲۳ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان واقع در روستای کیتال به مساحت ۹۲۶،۳۷ مترمربع، انتقال مالکیت از آقای نادر محمدی

۳- مطابق رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۰۲۴۰۰۳۸۶۷ مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۰۴ مالکیت آقای فریبرز محمدی نسبت به ششدانگ یک

شناسه آگهی: ۲۱۰۰۱۷۵
شماره: ۱۴۰۴/۱۰۴/۲۴/۸۹۲۸
تاریخ: ۱۴۰۴/۱۱/۰۴

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی ورزقان (نوبت اول)

۱- مطابق رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۰۲۴۰۰۶۱۷۳ مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۰ مالکیت آقای بهزاد آزادی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین زراعی مفروزی از پلاک ۷۰ اصلی از بخش ۲۳ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان واقع در روستای بورملک به مساحت ۱۵۳۴،۳۳ مترمربع، انتقال مالکیت از آقایان الهوردی و فرشید هر دو شهرتاً آزادی

لذا به منظور اطلاع عموم و به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای سند رسمی و ماده ۱۳ آیین نامه

تصمیم جدید دولت ترکیه و اعتراض گسترده‌ی علویان؛

طبقه‌بندی «جم‌خانه» به عنوان مرکز فرهنگی، نه عبادتگاه



طرح نو؛ سردبیر

سردبیر: علویان، یکی از بزرگ‌ترین اقلیت‌های مذهبی و فرهنگی ترکیه، با جمعیتی برآوردشده بین ۱۵ تا ۲۰ میلیون نفر، از دیرباز جایگاه میهمی در هویت دینی-ملی این کشور داشته‌اند. باور آنان که ریشه در آموزه‌های امام علی(ع)، مکتب بکتاشی، عرفان اسلامی و فلسفه‌ی عدالت روحانی دارد، تاریخی پر فراز و نشیب در ترکیه‌ی مدرن پشت سر گذاشته است. از دوران امپراتوری عثمانی که علویان غالباً با سوظن نگریسته می‌شدند تا جمهوری سکولار آتاترک که در ظاهر برابری شهروندان را وعده داد، آنان هرگز از سوی ساختار رسمی مذهبی، یعنی «دیانت»، به عنوان جامعه‌ای دینی مستقل به رسمیت شناخته نشدند.

«جم‌خانه‌ها، کانون معنوی و اجتماعی این جامعه، نه تنها محل عبادت، بلکه مرکز آموزش اخلاق و پیوند اجتماعی علویان هستند؛ فضاهایی برای آیین «جم»، ذکر جمعی، سماع، نیایش و گفت‌وگو درباره‌ی حقیقت و عدالت. چنین جایگاهی، جم‌خانه را در ذهن علویان معادل مسجد یا کلیسا برای دیگر جوامع مذهبی قرار می‌دهد.

اما در تاریخ ۲۲ ژانویه ۲۰۲۶، وزارت محیط زیست و شهرسازی ترکیه در شماره‌ی ۳۳۱۴۵ روزنامه رسمی، مصوبه‌ای منتشر کرد که بر اساس آن، جایگاه حقوقی جم‌خانه‌ها در نظام طبقه‌بندی رسمی کشور به‌عنوان «مراکز فرهنگی» تعیین شد. این طبقه‌بندی به معنی آن است که جم‌خانه‌ها در ردیف مکان‌هایی چون «سالن‌های نمایشگاهی»، «تالارهای موسیقی» و «خانه‌های فرهنگ» قرار می‌گیرند، نه به‌عنوان «عبادتگاه» که تحت پوشش حقوقی و مالی خاص دولت قرار دارد.

انتقاد علویان و واکنش نهادها

این تصمیم موجی از اعتراض گسترده در میان علویان برانگیخته است. بسیاری از رهبران و نهادهای دینی، آن را تحقیر حرمت باور دینی خود دانستند. بیانیه‌ی مشترک هفت نهاد بزرگ علوی، از جمله فدراسیون علوی-بکتاشی ترکیه و انجمن‌های پیر سلطان ابدال، با لحنی شدید منتشر شد: «جم‌خانه محل سرگرمی یا موزه نیست؛ مرکز یک باور دینی است. کدگذاری یک عقیده به عنوان عبادت و دیگری به عنوان فعالیت فرهنگی، نابودی اصل برابری شهروندی است.»

در این بیانیه تأکید شده است که این اقدام، نه اصلاح اداری

دولت تعریف می‌کند.

هشدارها و پیامدها

نهادهای علوی این مصوبه را «فاقد مشروعیت اجتماعی» دانسته و بر ادامه‌ی مبارزه‌ی قانونی و مدنی برای حقوق خود تأکید کرده‌اند. در بیانیه‌های متعدد آمده است که این تصمیم در تضاد آشکار با اصول برابری مندرج در قانون اساسی ترکیه و تعهدات بین‌المللی این کشور در زمینه‌ی آزادی مذهب است. و البته پیام پایانی آنان صریح است: «حقیقت ما دیر یا زود باید قانوناً پذیرفته شود. هر تنظیمی که جامعه‌ی علوی را نادیده بگیرد، از نظر ما باطل است.»

تحلیل‌گران هشدار می‌دهند که اگر دولت ترکیه به رویکرد گزینشی خود در تعریف «مکان‌های عبادت» ادامه دهد، شکاف مذهبی و اجتماعی در کشور ممکن است تعمیق یابد. در شرایطی که سیاست‌های هویتی مجدداً به فرنج‌های سیاسی تبدیل شده‌اند، بی‌توجهی به حقوق اقلیت‌های مذهبی نه‌تنها تهدیدی برای عدالت اجتماعی، بلکه آزمونی برای صداقت دولت در پایبندی به اصول سکولاریسم و دموکراسی است.



طرح نو؛ گروه خبر

امام جمعه تبریز با تأکید بر عزم راسخ ملت در مواجهه با فشارهای خارجی، به نقش تعیین‌کننده‌ی جوانان در پیشرفت کشور اشاره کرد و گفت: ایرانیان در دفاع از ارزش‌های خود اراده‌ای پولادین دارند.

حجت‌الاسلام والمسلمین احمد مطهری اصل، در خطبه‌های نماز جمعه این هفته تبریز، با اشاره به تهدیدات خارجی علیه ایران، قاطعانه اعلام کرد که جمهوری اسلامی هرگز در برابر دشمنان عقب‌نشینی نخواهد کرد و ملت ایران در دفاع از ارزش‌ها و دستاوردهای خود، از اراده‌ای پولادین برخوردار است.

وی در واکنش به اظهارات اخیر اتحادیه اروپا مبنی بر قرار دادن نام سپاه پاسداران در فهرست گروه‌های تروریستی، این اقدام را پرسش‌برانگیز دانست و گفت: در کجای دنیا، سازمانی نظامی که وظیفه اصلی‌اش دفاع از کیان کشور است، با چنین عنوانی شناخته می‌شود؟

امام جمعه تبریز یادآور شد: ایستادگی

طرح نو بررسی می‌کند:

چرا تقابل و جنگ «آمریکا» با «ایران»، جهان را ناامن می‌کند!

طرح نو؛ سردبیر

طرح نو: در چند دهه‌ی اخیر، رابطه‌ی ایالات متحده‌ی آمریکا و جمهوری اسلامی ایران از مرحله‌ی رقابت سیاسی و اقتصادی فراتر رفته و به نوعی تقابل چندبعدی و مستمر تبدیل شده است. این تقابل نه صرفاً بر سر منافع منطقه‌ای، بلکه بر محور نوعی تضاد دیدگاهی عمیق در مورد نظم جهانی، استقلال ملت‌ها و حدود هژمونی آمریکا شکل گرفته است. در حالی که ایران پس از انقلاب ۱۳۵۷ تلاش کرده نظامی بر پایه‌ی استقلال سیاسی، عدالت اجتماعی و مخالفت با محور سلطه بنا کند، واشنگتن همواره این رویکرد را تهدیدی برای نظم مطلوب خود دانسته است.

اما در سال‌های اخیر، آنچه شاهدش هستیم، شکل تکامل‌یافته‌ای از همان خصومت دیرینه است؛ یعنی ورود به عرصه‌ی «جنگ ترکیبی»؛ نبردی که هم‌زمان در سطوح نظامی، اقتصادی، رسانه‌ای، سایبری، سیاسی و حتی روانی جریان دارد. این شکل از تقابل، جهان را وارد مرحله‌ای خطرناک کرده است؛ مرحله‌ای که در آن، ثبات جهانی نه‌تنها در خاورمیانه بلکه در ابعاد اقتصادی و امنیتی بین‌المللی تحت فشار قرار گرفته است.

جنگ ترکیبی و استراتژی فشار چندوجهی

مفهوم «جنگ ترکیبی» بیانگر آن است که طرف مهاجم می‌کوشد بدون آغاز جنگ تمام‌عیار، هزینه‌های حداکثری را بر حریف تحمیل کند. در میدان ایران، این رویکرد از دهه‌ی گذشته تاکنون با تحریم‌های فلج‌کننده‌ی اقتصادی، کارزارهای رسانه‌ای، جنگ روانی، عملیات خرابکارانه، ترور دانشمندان و تحریک ناراضی‌های اجتماعی همراه بوده است. هدف نهایی نیز چیزی نیست جز تضعیف توان اقتصادی، فرسایش سرمایه‌ی اجتماعی و در نهایت بی‌ثبات کردن حاکمیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران. در ظاهر، این اقدامات با شعار دفاع از «آزادی»، «حقوق بشر» یا «مقابله با تهدید هسته‌ای» توجیه می‌شود؛ اما در واقعیت، چیزی جز تلاش برای انتقال قدرت و بازسازی نظم منطقه‌ای مطلوب ایالات متحده و رژیم صهیونیستی نیست. این جنگ ترکیبی، نوعی محاصره‌ی همه‌جانبه‌ی هوشمند است که در آن، رسانه جای توپ و موشک را گرفته و تحریم اقتصادی ابزار جدید تسلیم‌سازی ملت‌ها شده است.



در تحلیل این روند نمی‌توان نقش رژیم صهیونیستی را نادیده گرفت. از نگاه تل‌آویو، ایران تنها کشوری است که نه‌تنها هژمونی اسرائیل بر خاورمیانه را به چالش می‌کشد، بلکه مشروعیت سیاسی و ایدئولوژیکی آن را زیر سؤال می‌برد. از همین رو، سال‌هاست که این رژیم در پشت پرده‌ی بسیاری از سیاست‌های ضدایرانی واشنگتن نقش‌آفرین است.

لایه‌های قدرتمندی چون آئی‌پک (AIPAC) در ایالات متحده، نفوذی چشمگیر بر کنگره و دولت‌های متوالی آمریکا دارند، و اغلب تصمیمات کلان آمریکا در قبال ایران در راستای منافع تل‌آویو اتخاذ می‌شود. فروکاستن مسئله‌ی ایران به «تهدید علیه اسرائیل» موجب شده که واشنگتن در سیاست‌های خود از منطق ملی عبور کرده و به منطق «پروژه‌ی امنیت اسرائیل» تن دهد؛ پروژه‌ای که امنیت خود را نه در ثبات منطقه بلکه در بی‌ثبات نگه داشتن دیگران می‌بیند.

قانون‌گریزی آمریکا در نظم جهانی

ایالات متحده خود را «مدافع نظم جهانی مبتنی بر قانون» معرفی می‌کند، اما رفتارهایش بیش از هر چیز یادآور

با موقعیت ژئوپلیتیکی بی‌بدیل که مرزدار خلیج فارس و دریای عمان، متصل‌کننده‌ی خاورمیانه به آسیای مرکزی، و دروازه‌ی ترانزیت بین شرق و غرب است و هر نوع بی‌ثباتی در ایران، به معنای ناامنی در بازار جهانی انرژی و مسیرهای حیاتی تجارت بین‌الملل است.

بیش از یک‌سوم نفت تجارت‌شده‌ی جهان از تنگه‌ی هرمز عبور می‌کند و در صورت بروز تقابل نظامی، حتی مختصرترین درگیری می‌تواند این گلوگاه را مسدود کرده و قیمت جهانی انرژی را چندبرابر کند. چنین شوکی، اقتصاد جهانی را از شرق آسیا تا آمریکای لاتین دچار بحران می‌کند. افزون بر آن، افزایش تنش‌های امنیتی در اطراف ایران، کشورهای همسایه چون عراق، افغانستان، سوریه و پاکستان را نیز در گرداب بی‌ثباتی فرو می‌برد. در چنین شرایطی، ادعای آمریکا مبنی بر «ایجاد امنیت خاورمیانه» طنزی تلخ بیش نیست!

یکی از پیامدهای ناگفته‌ی جنگ ترکیبی، تأثیرات انسانی آن است. تحریم‌های اقتصادی که واشنگتن «ابزار دیپلماتیک» می‌نامد، در واقع نوعی جنگ علیه زندگی مردم عادی است. محدودیت‌های بانکی و صادرات دارو، دسترسی بیماران به درمان را دشوار می‌کند و تضعیف از سوی دیگر، جنگ روانی و رسانه‌ای که دائماً بر فساد، ناکارآمدی یا فروپاشی قریب‌الوقوع نظام تأکید دارد، تلاش می‌کند امید اجتماعی و اعتماد به آینده را تضعیف کند. این شیوه‌ی «مهندسی ادراک»، جامعه را دچار دو قطبی روانی کرده و در بلندمدت انسجام ملی را هدف قرار می‌دهد. این بخش پنهان جنگ ترکیبی، همان‌قدر خطرناک است که موشک یا تحریم اقتصادی.

خطر گسترش جنگ به سطح جهانی

فرض ورود تنش ایران و آمریکا به رویارویی نظامی مستقیم، دیگر یک تصور محال نیست. اما چنین جنگی، بر خلاف درگیری‌های محدود گذشته، به‌سرعت ابعادی بین‌المللی خواهد یافت. ایران نه عراق ۲۰۰۳ است و نه لیبی ۲۰۱۱؛ کشوری با زیرساخت دفاعی مدرن، شبکه‌ای از متحدان منطقه‌ای و تجربه‌ی مقاومت در برابر

فشارهای چند دهه‌ای است. درگیری نظامی با ایران، به‌طور طبیعی شبکه‌ای از واکنش‌های غیرقابل کنترل را فعال می‌کند؛ از تهدید امنیت نفت‌کش‌ها در خلیج فارس گرفته تا احتمال درگیری نیروهای آمریکایی با گروه‌های مقاومت در عراق، لبنان، یمن و سوریه. پیامدهای اقتصادی چنین بحرانی نیز می‌تواند رکودی فراگیر در اقتصاد جهان ایجاد کند. تجربه‌ی جنگ اوکراین نشان داد که حتی یک درگیری محلی در اوراسیا کافی است تا زنجیره‌ی تأمین جهانی را مختل و تورم را در سطح بین‌المللی تشدید کند؛ چه رسد به جنگی در خاورمیانه که قلب انرژی جهان است.

پس آمریکا باید بداند در شرایطی که نظم جهانی در حال انتقال از تک‌قطبی به چندقطبی است، اصرارش بر حفظ برتری مطلق، نتیجه‌ای جز تشدید تنش ندارد. قدرت‌های نوظهور مانند چین، روسیه، هند و حتی بلوک جنوب جهانی، دیگر حاضر نیستند زیر چتر تصمیمات یک‌جانبه‌ی واشنگتن بمانند. در چنین نظامی، تفاهم، همکاری منطقه‌ای و احترام به استقلال ملت‌ها تنها راه ماندگار برای امنیت پایدار است.

ایران با داشتن موقعیت ارتباطی منحصربه‌فرد میان سه حوزه‌ی بزرگ آسیا، مهم‌ترین حلقه‌ی این نظم جدید است. تقابل آمریکا با ایران، در واقع تقابل با یکی از ستون‌های نظم چندقطبی آینده محسوب می‌شود. هر چه فشارها بیشتر شود، این روند همگرایی میان کشورهای مستقل و غیرغربی، شتاب بیشتری خواهد گرفت؛ نتیجه‌ای که ناخواسته، به‌ضرر خود واشنگتن تمام خواهد شد.

در پایان باید بگویم که تقابل آمریکا با ایران، دیگر وارد چرخه‌ای از بی‌ثباتی می‌کند که نتایج آن غیرقابل پیش‌بینی است. بی‌اعتمادی به توافقات، جشش قیمت انرژی، دوقطبی‌سازی ملت‌ها و گسترش جنگ اطلاعاتی و سایبری تنها بخشی از پیامدهای مستقیم این رویکرد خواهد بود!

صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر: دکتر محمدرضا ربانی

آدرس تبریز: خیابان امام – مابین چهارراه منصور و میدان ساعت – جنب مسجد کبود

مجتمع تجاری ابریشم – طبقه اول – واحد شماره ۹ شماره تماس: ۳۵۲۴۱۹۵۲

آدرس ارومیه: ابتدای خیابان سرداران ۱- پ ۲۲- طبقه ۳- واحد ۱۱

تلفکس: ۰۴۴-۳۲۲۴۸۵۸۸

لینتوگرافی و چاپ: شاخه سبز

خبر

هوشمندسازی ساماندهی مشاغل

مزاحم گامی نوین

برای ارتقاء خدمات شهری



طرح نو؛ گروه شهری

چنانچین معاون محیط زیست و خدمات شهری شهردار تبریز گفت: با پیگیری های کمیسیون محیط زیست و خدمات شهری و با هدف ارتقاء سطح خدمات رسانی به شهروندان هوشمندسازی ساماندهی مشاغل مزاحم در دستور کار قرار گرفته است.

سیاوش مکانی در جلسه ای با حضور یوسف قوام لاله مدیرعامل سازمان میادین و ساماندهی مشاغل و معاونین و کارشناسان سازمان های میادین و فناوری اطلاعات و ارتباطات گفت: در راستای هوشمندسازی خدمات شهری اقدامات شایسته ای صورت گرفته که سامانه تخلفات شهری با برگزاری جلسات متعدد در مراحل پایانی برای رونمایی است.

مکانی افزود: یکی از موارد مورد استفاده این سامانه، ساماندهی مشاغل مزاحم شهری و اجرای بند ۲۰ ماده ۵۵ قانون شهرداری ها است که با هوشمند سازی آن روند بررسی به تخلفات صنعتی تسهیل می یابد.

وی گفت: هوشمند سازی خدمات رسانی شهرداری به شهروندان علاوه بر تسهیل در روند امور، گامی نوین برای ارتقاء خدمات شهری بوده که لازمه شهرهای در حال توسعه می باشد.

در ادامه یوسف قوام لاله مدیرعامل سازمان میادین و ساماندهی مشاغل از همکاری تنگاتنگ با سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات برای راه اندازی این نرم افزار خبر داد و افزود: اقدام های لازم برای نهایی کردن نرم افزار با تلاش شبانه روزی همکاران این دو سازمان صورت گرفته و امیدواریم بزودی شاهد نتایج مثبت در جهت رفع مشکلات شهری با گذر از روش های سنتی باشیم.

طرح نو

رتبه ۳ در طرح رتبه بندی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

احیای قنات‌ها؛

گام مشترک دولت و کشاورزان

در مدیریت آب آذربایجان شرقی

طرح نو؛ گروه شهری

در شرایطی که تداوم خشکسالی، افت منابع آب زیرزمینی و پدیده نگران‌کننده فرونشست زمین، کشاورزی آذربایجان شرقی را با چالش‌های جدی روبه‌رو کرده است، احیای قنات‌ها به‌عنوان یکی از پایدارترین و بومی‌ترین روش‌های تأمین آب، بار دیگر در کانون توجه سیاست‌گذاران بخش آب و خاک قرار گرفته و در این میان، شهرستان‌های مرند و شبستر، به‌عنوان ۲ قطب مهم کشاورزی استان، سهم قابل‌توجهی از این برنامه حمایتی را به خود اختصاص داده‌اند.

در حالی که آذربایجان شرقی با چالش‌های دوگانه خشکسالی مستمر و فرونشست زمین مواجه است، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های آبی به یک ضرورت راهبردی تبدیل شده است؛ بر اساس آخرین گزارش‌ها، ۲۲ سانتیمتر فرونشست زمین در مرند و کاهش مداوم سطح آب‌های زیرزمینی، امنیت غذایی و پایداری کشاورزی منطقه را تهدید می‌کند.

با این نگاه، وزارت جهاد کشاورزی با تخصیص ۳۷۰ میلیارد ریال در سال ۱۴۰۴، گامی بلند برای احیا و بهسازی قنات در ۲ شهرستان مرند و شبستر برداشته است؛ این اقدام نه تنها پاسخ مستقیم به بحران آب است، بلکه تلاشی برای حفظ ۴۰ میلیون مترمکعب آب استحصالی سالانه از قنات و چشمه‌های منطقه محسوب می‌شود.

از سوی دیگر نباید این نکته را از نظر دور داشت که آذربایجان شرقی با تولید سالانه بیش از پنج میلیون تن محصولات کشاورزی، سهم قابل‌توجهی در امنیت غذایی کشور دارد؛ با این حال، کاهش ۳۰ درصدی بارندگی در پنج سال گذشته و برداشت بی‌رویه از منابع زیرزمینی، تراز آبی استان را منفی کرده است.

برآوردها نشان می‌دهد که بیش از ۶۰ درصد از آب

مصرفی در بخش کشاورزی آذربایجان شرقی از منابع زیرزمینی تأمین می‌شود که همین موضوع باعث تشدید فرونشست زمین شده است، در چنین شرایطی، احیای قنات به عنوان یک سامانه آبیاری پایدار و کم‌هزینه می‌تواند بهره‌وری آب را تا ۴۰ درصد افزایش دهد و فشار بر سفره‌های زیرزمینی را کاهش دهد.

در چنین وضعیتی، تخصیص ۳۷۰ میلیارد ریال اعتبار برای مرمت، بازسازی و اجرای قنات در این ۲ شهرستان، نشانه‌ای از رویکرد هدفمند وزارت جهاد کشاورزی برای صیانت از منابع پایه، افزایش بهره‌وری آب و حفظ معیشت هزاران کشاورز در شمال‌غرب کشور است؛ اقدامی که با مشارکت بهره‌برداران محلی و تمرکز بر زیرساخت‌های آب و خاک دنبال می‌شود.

تاکید بر مشارکت بهره‌برداران برای حیای قنات

معاون آب و خاک وزیر جهاد کشاورزی از اختصاص ۱۷۰ میلیارد ریال اعتبار برای احیا و مرمت قنات شهرستان مرند و همچنین تخصیص ۲۰۰ میلیارد ریال اعتبار برای اجرای طرح‌های قنات در شهرستان شبستر از محل اعتبارات سال ۱۴۰۴ خبر داد.

صفدر نیازی‌شهرکی در جلسه بررسی طرح های آب و خاک شهرستان مرند اظهار کرد: مرند از مناطق قنات‌خیز کشور به شمار می‌رود و امسال ۱۷۰ میلیارد ریال اعتبار برای احیای قنات این شهرستان پیش‌بینی شده است که در کنار آن، مشارکت بهره‌برداران نیز نقش مؤثری در اجرای طرح‌ها خواهد داشت.

وی با اشاره به ضرورت افزایش بهره‌وری مصرف آب افزود: برای تکمیل شبکه‌های آبیاری مرند، ۲۵ کیلومتر لوله سامانه‌های آبیاری کم‌فشار اختصاص یافته که نقش مهمی در کاهش تلفات آب و پایداری تولید کشاورزی

ایفا می‌کند.

معاون آب و خاک وزیر جهاد کشاورزی، خشکسالی را یکی از اصلی‌ترین چالش‌های پیش روی بخش کشاورزی کشور دانست و گفت: مدیریت علمی منابع آب، به‌ویژه در مناطق در معرض فرونشست زمین، ضرورتی انکارناپذیر است. وی همچنین از تأمین اقلام مورد نیاز شبکه‌های آبیاری و زهکشی منطقه یکانات خبر داد و گفت: این تجهیزات حداکثر ظرف چهار ماه آینده در اختیار بهره‌برداران قرار می‌گیرد.

نیازی‌شهرکی درباره طرح‌های کانال‌کشی نیز خاطرنشان کرد: با توجه به محدودیت منابع ملی، تأمین اعتبار این طرح‌ها از محل ظرفیت‌های قانونی از جمله بند «م» تبصره ۲۸ و بند «ج» تبصره ۷ قانون بودجه سال ۱۴۰۴ پیگیری می‌شود.

وی در ادامه، در جلسه بررسی مشکلات بخش کشاورزی شهرستان شبستر، با تأکید بر جایگاه راهبردی این شهرستان در تولیدات کشاورزی استان، از تخصیص ۲۰۰ میلیارد ریال اعتبار برای قنات شبستر خبر داد و افزود: ۱۰۰ میلیارد ریال از محل اعتبارات فنی و مهندسی و ۱۰۰ میلیارد ریال از محل اعتبارات محرومیت‌زدایی به این بخش اختصاص می‌یابد.

شهرام شفیعی، رئیس سازمان جهاد کشاورزی آذربایجان شرقی نیز، با اشاره به محدودیت شدید منابع آبی و تداوم خشکسالی گفت: رویکرد سازمان، تقویت زیرساخت‌های آبی، افزایش بهره‌وری مصرف آب و صیانت از منابع پایه است و پروژه‌های آب و خاک مرند و شبستر با جدیت در سطح ملی پیگیری می‌شود.

ضرورت توجه جدی به طرح های آب و خاک به دلیل

فرونشست و افزایش شوری آب

عزت‌ا... حبیب‌زاده، نماینده مردم مرند و جلفا در

امام صادق (ع)

بر تو باد به جوانان که آنان در [پذیرش] نیکی

و خیر، باشتاب ترند.

یکشنبه ۱۲ بهمن ماه ۱۴۰۴ – سال نوزدهم – شماره ۳۴۹۵



مجلس شورای اسلامی نیز فرونشست ۲۲ سانتیمتری زمین در مرند را نگران‌کننده توصیف کرد و خواستار تسریع در اجرای طرح‌های بهینه‌سازی مدیریت منابع آب شد.

وی کشاورزی را ستون اصلی معیشت مردم منطقه دانست و تأکید کرد: هرگونه غفلت از این بخش، پیامدهای مستقیم اجتماعی و اقتصادی به دنبال خواهد داشت.

در همین راستا، محمود طاهری، نماینده مردم شبستر در مجلس شورای اسلامی، با اشاره به قرارگیری این شهرستان در حاشیه دریاچه ارومیه گفت: شوری آب و خاک، فرونشست زمین و وابستگی معیشت مردم به کشاورزی، ضرورت توجه ویژه به طرح‌های آب و خاک شبستر را دوچندان کرده است.

به گفته وی، شبستر با ۲۳۱ قنات فعال، بیشترین تعداد قنات آذربایجان شرقی را به خود اختصاص داده است. اسماعیل الهیاری، مدیر جهاد کشاورزی شهرستان ویژه مرند نیز با اشاره به وجود ۴۴۱ رشته قنات و چشمه فعال در این شهرستان، حجم آب استحصالی سالانه آن‌ها را بیش از ۴۰ میلیون مترمکعب اعلام کرد و گفت: تاکنون بیش از سه هزار و ۸۰۰ هکتار از اراضی کشاورزی مرند زیر پوشش سامانه‌های نوین آبیاری قرار گرفته است.

تخصیص ۳۷۰ میلیارد ریال اعتبار برای احیا و اجرای قنات در مرند و شبستر، در کنار توسعه سامانه‌های نوین آبیاری، نشان‌دهنده عزم جدی دولت برای مدیریت پایدار منابع آب و حمایت از کشاورزی در

آذربایجان شرقی است؛ اقدامی که می‌تواند ضمن کاهش فشار بر منابع زیرزمینی، نقش مهمی در تثبیت تولید، جلوگیری از فرونشست زمین و حفظ امنیت غذایی منطقه ایفا کند.

ورزقان؛ جایی که کوه، زندگی را معنا می‌کند

هست. زمستان‌های سرد، شغل‌های وابسته به معدن، راه‌هایی که گاهی با برف یا رانش بسته می‌شود، فرصت‌های محدودی که جوان‌ها را بین ماندن و رفتن مردد می‌کند. بعضی‌ها راه تبریز، تهران، یا شهرهای دورتر را در پیش می‌گیرند؛ بعضی دیگر ترجیح می‌دهند همین‌جا بمانند، کنار خانواده، کنار کوه‌هایی که برایشان آشناست. شاید همین کشمکش خاموش میان رفتن و ماندن است که به چهره‌ی شهر، حالتی تأمل‌برانگیز داده است. نه ناامید و نه بی‌دغدغه؛ در میانه‌ی بین فاصله از مرکز و نزدیکی به ریشه‌ها ایستاده‌اش.

ورزقان شهر روایت‌های بلند و پر سر و صدا نیست. بیشتر، شهر ایستادن است؛ ایستادن میان کوه، معدن و سرما؛ ایستادن روی زمینی که هم تروتمند و هم خشن است؛ زمینی که باید با آن ساخت، با آن گفتگو کرد، از آن نان درآورد و در عین حال، حرمش را نگه داشت. این شهر، شهری است که کمتر دیده می‌شود، کمتر درباره‌اش نوشته می‌شود؛ اما اگر بمانی، آرام‌آرام خود را به تو؛ نه با یک صحنه تماشایی، بلکه با رشته‌ای از لحظه‌های کوچک سلامی در کوچه، بخاری نفتی یک خانه‌ی روستایی، بخار چای در هوای سرد صبح‌گاهی، نور زرد چراغ‌های یک گریدر در جاده‌ی برفی؛ به تو می‌شناساند.

ورزقان

نه شهری برای عبور،

بلکه جایی برای ماندن است؛

برای یاد گرفتن این‌که زندگی همیشه در خیابان‌های عریض و برج‌های بلند تعریف نمی‌شود؛ گاهی در کوچه‌ای باریک، کنار دیواری سنگی، زیر آسمانی که به تو نزدیک‌تر است، معنای عمیق‌تری پیدا می‌کند. این‌جا، میان سرما و سکوت و سنگ، آدم‌ها یاد گرفته‌اند که زندگی را با کار، با صبر، با تکیه‌کردن به شانه‌ی هم، پیش ببرند؛ همان‌طور که شهری آرام از دل کوه برمی‌خیزد، نه ناگهانی، بلکه آهسته و استوار، مثل نفس کشیدن زمین در تداخل زمین به عرش اعلا گره می‌خورد.

فرهنگ ورزقان پرگفتار نیست. این‌جا کسی عادت ندارد احساساتش را بلند و پر زرق و برق اجرا کند. آیین‌ها ساده‌اند، شادی‌ها آرام، سوگ‌ها جمعی؛ در نوروز، سبزه‌ی کوچک روی سفره کنار پنجره‌ای که اغلب پشتش هنوز برف نشسته است، با زمستان آشتی می‌کند؛ بهار اینجا همیشه در گفت‌وگوی پنهانی با سرماست. مراسم مذهبی با وقار و سکوتی خاموش برگزار می‌شود؛ بدون بلندگوهای اغراق‌آمیز، بدون نمایش‌های بزرگ؛ همه‌چیز به‌اندازه است؛ نه اینکه احساس کم باشد، اتفاقاً عمق احساس در همین کم‌گویی است.

زبان ترکی آذربایجانی در کوچه‌ها جاری‌ست. واژه‌ها، مانند خود مردم، مستقیم و بی‌زینت‌اند. شوخی‌ها کوتاه اما دقیق‌اند، تعارف‌ها صمیمی اما نه افراطی و در قهوه‌خانه‌های کوچک یا مغازه‌های خواربار، اگر بنشیني، خیلی زود گفت‌وگو به سمت کار، هوا، جاده، معدن و اخبار رفت‌وآمد فامیل‌ها می‌رود. گاهی هم پای خاطره‌ی زلزله‌ها، برف‌های سنگین، یا سال‌هایی که محصول خوب بوده یا بد در واقع حافظه‌ی جمعی این شهر، بیشتر از آنکه روی کاغذ و کتاب ثبت شده باشد، در همین روایت‌های روزمره زنده است.

ورزقان از آن شهرهایی نیست که در بروشورهای رنگارنگ گردشگری، نامش همه‌جا تکرار شود، اما اگر پای سفر به میان بیاید، شگفتی کم ندارد. از جنگل‌های ارسباران تا بیلاق‌های چیچکلی، از منطقه‌ی هفت چشمه تا روستاهای پلکانی مثل ونستان، طبیعت در این‌جا چهره‌های مختلفی دارد. مراتع سرسبز، درختان آلوجه‌ی وحشی، چشمه‌هایی که از دل سنگ می‌جوشند، آبشارهایی که از بین صخره‌ها فرو می‌ریزند. هر کدام‌شان برای کسانی که بلدند آهسته راه بروند و گوش بدهند، چیزی برای گفتن دارند. اما ورزقان شهر میجان لحظه‌ای نیست؛ مقصد کسانی است که می‌خواهند بمانند، نگاه کنند، عادت کنند، با ریتم آهسته‌تر طبیعت هماهنگ شوند.

در لایه‌ی زیرین همه‌ی این تصویرهای آرام، سختی هم



می‌کند و آدم‌ها را بیشتر دور هم جمع می‌کند.

آب‌وهوای ورزقان سرد و کوهستانی است؛ زمستان‌های طولانی، تابستان‌های کوتاه و خنک دارد. همین اقلیم سخت است که آدم‌ها را به هم نزدیک‌تر کرده است. روابط انسانی هنوز وزن دارد؛ سلام‌ها کوتاه و عبوری نیستند. وقتی دو نفر در کوچه یا کنار جاده به هم می‌رسند، مکث می‌کنند، حال هم را می‌پرسند، چند جمله از کار و هوا و خانه می‌گویند. اعتماد، بی‌نیاز از توضیح‌های مفصل و قراردادهای طولانی است. بسیاری از آدم‌ها همدیگر را می‌شناسند؛ نه فقط از روی اسم و چهره، از روی خاطره، از روی سال‌هایی که در صف کنار هم گذرانده‌اند؛ در مدرسه‌ی کوچک روستا، در صف نانوایی، در راه‌های برفی، در مراسم عروسی و عزای مشترک و در همه‌ی خاطراتی که کنار هم گذرانده‌اند.

پرسش را هم بر سر شهر انداخته‌اند. ثروتی که از دل کوه بیرون می‌آید، چقدر به خود این زمین و مرمرش برمی‌گردد؟ روستاها مانند حلقه‌ای صبور گرد شهر نشسته‌اند؛ آغبالغ، اندریان، خاروانا، دیزمار و ده‌ها نام دیگر که هرکدام دنیای کوچکی‌اند. در این روستاها، دامداری و کشاورزی هنوز زنده است، هرچند کم‌ادعا و سخت‌کوش‌اند. گندم و جو، باغ‌های کوچک، دام‌هایی که تابستان را در بیلاق می‌گذرانند و زمستان را در آغل‌های ساده، ریتیمی را می‌سازند که با فصل‌ها تنظیم شده است. بهار کوتاه می‌آید و زود می‌گذرد؛ فرصت سبز شدن سریع و کوتاه است. تابستان دیر از راه می‌رسد، اما وقتی می‌آید، در دره‌ها و کنار چشمه‌ها می‌توان نفسی آرام‌تر کشید. زمستان اما حضور طولانی و سنگینی دارد؛ برف، جاده‌ها را بارها می‌بندد، سکوت را عمیق‌تر